

## نقد و ارزیابی کتاب قرآن و زن

(بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن)

● هاجر قدمی

دانشجوی دکتری الهیات گرایش (قرآن و حدیث) / hjujybari.2006@gmail.com

### چکیده

جایگاه زن در جامعه از نگاه اسلام کجاست؟ قرآن معیار نهایی و موثق‌ترین مرجع موجود در میراث اندیشه اسلامی است؛ زیرا مسلمانان گرچه با برداشت‌های گوناگون به اتفاق آن را کلام خداوند می‌دانند که با هدف هدایت بشر به محمد (ص) وحی شده است. بنابراین، طبیعی است که بتوان از قرآن به مثابه سنج‌ای در بررسی اسلامی بودن یا نبودن وضعیت زنان در جوامع فعلی مسلمانان یاد کرد.

### کلیدواژه

زن، عدالت، قرآن، تفاسیر.

### مقدمه

شاید بارزترین حقیقتی که می‌توان درباره اندیشه اسلامی معاصر در مسائل زنان از آن یاد کرد، این است که این نگرش دگرگون یا بازسازی نمی‌شود و به هیچ صورتی در نمی‌آید که زنان آن را بپذیرند و با آن هم‌رأی و موافق باشند، مگر این‌که خود بانوان برای دگرگونی و نواندیشی در زمینه‌های معرفتی و علمی نقشی به‌سزا داشته و در آن سهیم باشند.

حال پرسش آن است که آیا بانوان توانسته‌اند در نواندیشی اسلامی در مسائل زنان، نقش داشته باشند؟ اگر به بررسی میزان سهم و نقش فکری و فرهنگی زنان در زمینه‌ها و بسترهای مربوط به آنان بپردازیم، حتماً به این سؤال می‌رسیم و باز خواهیم پرسید که آیا این فعالیت‌ها پیشروانه است و رنگ و بوی پیشرفت دارند، یا عقب مانده بوده و پسر و شمردنی می‌شوند، یا این‌که کماکان جای شک و تردید وجود دارد؟!

در سال ۱۹۹۸، گروهی از زنان عضو آکادمی بانوان مسلمان، تشکیل گروهی علمی را در زمینه پژوهش‌های مربوط به زن مسلمان اعلام کردند. خانم دکتر زهیر عابدین که در



■ معرفی اثر
ودود، آمنه. زن در قرآن. اعظم پویازاده، معصومه آگاهی. تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۹۳.
مشخصات نشر: قطع وزیری
شابک: ۹۷۸۹۶۴۲۴۴۰۷۱۹

فصلنامه نقد کتاب

قرآن و پژوهش

سال اول، شماره ۱  
بهار ۱۳۹۴

۱۳۸

دانشگاه علوم اسلامی و اجتماعی ایالات متحده امریکا کرسی تدریس دارد ریاست این گروه را برعهده دارند و خانم دکتر منی ابوالفضل که رئیس گروه پژوهش‌های مربوط به زنان و تمدن در قاهره است، از فعالان این تشکیلات هستند.

این گروه دیدگاه‌های خود را در زمینه‌های علمی و آکادمی مربوطه، در کتابی که سال ۲۰۰۲ با عنوان **المرأة العربیة و المجتمع فی قرن** چاپ شد، منتشر کردند. این اثر، تحلیلی است و کتاب‌هایی را معرفی می‌کند که جهان عرب درباره زنان در قرن بیستم نگاشته است. خانم دکتر امرانی صالح با همکاری زینب ابوالمجد و هند مصطفی نگارش این اثر را به فرجام رسانده است.

این کتاب یکی از مهم‌ترین آثار فکری در زمینه مسائل زنان و تحلیل و بررسی آثار معاصر عرب درباره بانوان به شمار می‌آید و شاید مهم‌ترین اثر توصیفی مستند در این زمینه باشد، چنان‌که در این موضوع، مرجع محسوب شده، هر کسی که بخواهد در مورد زنان و مسائل آنان بنویسد یا سخن بگوید، می‌باید به آن مراجعه کند.

در قرآن مجید حدود ۴۰۰ آیه در مورد زنان نازل شده که اهمیت و اهتمام این کتاب الهی را به آنان می‌رساند. خداوند متعال در این آیات علاوه بر این‌که چهره حقیقی بانوان را بیان کرده، زنان نمونه را نیز معرفی و به دفاع از حقوق و شخصیت زنان پرداخته است. سپس برخی از دانشمندان و محققان به شرح و تفسیر این آیات پرداخته‌اند تا مفهوم آیات بر همگان روشن شود و چنین ادعا نشود که «اگر بخواهیم به قرآن و حدیث نگاه کنیم ما زنان هیچ نداریم».

### پیشینه پژوهش درباره زن و قرآن

آنچه در ذیل آمده است، معرفی و پیشینه نه چندان کاملی از کتاب‌ها و مقالاتی است که به موضوع زن در قرآن می‌پردازند:

الف) کتاب‌هایی که مستقلاً در مورد زن در قرآن نوشته شده‌اند.  
ب) مقاله‌هایی که در مطبوعات درباره زن در قرآن به طبع رسیده است.  
ج) برخی از کتاب‌هایی که قسمتی از آن به موضوع زن در قرآن می‌پردازند.

الف) کتاب‌های مستقل:

۱. آیات النساء، محمدعلی غفاری، تهران: انتشارات برهان، ۱۳۶۴ ش، ۲۵۳ ص.

۲. آیات قرآنیّه نزلت فی نساء صالحات، فیصل ابورحمه، الکتاب العالمی، ۱۴۰۹ هـ،

۲۱۸ ص.

۳. احکام حجاب در قرآن، امین احسن اصلاحی، مترجم: ابوبکر مدنی، تهران: نشر

احسان، ۱۳۷۱ ش، ۵۴ ص.

۴. احکام المرأة فی القرآن، سید الجمیلی، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۸ هـ، ۱۶۸ ص.

۵. ازدواج از دیدگاه قرآن، هادی اسلامی پناه، قم: مرکز آموزشی امام خمینی، ۱۱۴ ص.

۶. الخلافات الزوجیة فی ضوء الکتاب و السنّة، رعد کامل الحیالی.

۷. الاسرة المثلی فی ضوء القرآن و السنّة، عمارة النّجیب، ریاض: مکتبه العارف، ۱۴۰۶

هـ، ۳۴۲ ص.

۸. الاسلام و حقوق النساء، رفعت حسان.

۹. الاسلام و الحیاة الجنسیّة، محمود بن شریف، بیروت: دار مکتبه الهلال، ۱۹۸۸ م،

۱۲۷ ص.

۱۰. امرأتان فی الجنّة و امرأتان فی النار، محمدعلی قطب، دمشق: مکتبه الغزالی، ۱۴۰۸

ق، ۱۲۷ ص.

۱۱. الامومة فی القرآن الکریم و السنّة النبویّة، محمد الزعلوی، بیروت: مؤسسه

الرسالة، ۱۴۰۹ ق، ۲۴۸ ص.

۱۲. بررسی آیات نکاح در قرآن، فائزه عظیم زاده اردبیلی، تهران: نشر سازمان تبلیغات

اسلامی، ۱۳۶۹ ش، ۱۲۰ ص.

۱۳. بناء الاسرة فی هدی القرآن، احمد موسی سالم، دمشق: الامالی، ۱۹۹۶ م،

۳۱۱ ص.

۱۴. پوشش زن در اسلام، سید عبدالله شیرازی، ترجمه: محمدی اشتهاردی، قم: نشر

وحی، ۱۳۹۷ ق، ۷۴ ص.

۱۵. التبرّج، محمدرضا، دمشق: مکتبه الغزالی، ۱۴۱۰ ق، ۸۰ ص.

۱۶. تحریر المرأة فی عصر الرسالة، عبدالحلیم ابوشقه، ۵ جلد، کویت: دار القلم، ۱۴۱۰

ق.

۱۷. تعدد زوجات در اسلام، فریده فراهانی، قم: مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه، ۱۳۷۳

ش، ۳۵۳ ص.

۱۸. **چهره زن در آیین اسلام و قرآن**، مرتضی فهیم کرمانی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۲۱۶ ص.
۱۹. **چهره زن در قرآن**، مرتضی فهیم کرمانی، تهران: کانون انتشار، ۱۳۵۰ ش، ۱۱۴ ص.
۲۰. **حجاب از دیدگاه قرآن و سنت**، فتحیه فتاحی زاده، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش (دوم)، ۲۱۶ ص.
۲۱. **حجاب میوه شناخت**، مسعود پورسیدآقایی، قم: انتشارات حضور، ۱۳۷۶ ش، ۵۶ ص.
۲۲. **حریت و حقوق زن در اسلام**، جمعی از نویسندگان، تهران: انتشارات میلاد، ۱۳۵۷ ش، ۱۱۲ ص.
۲۳. **حق المرأة علی زوجها**، ابن مریم مجدی فتحی السید، جده: مکتبه السوادی، ۱۴۱۶ ق، ۲۰۶ ص.
۲۴. **حقوق المرأة المسلمة فی القرآن و السنة**، محمد فریجه، بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۴۱۶ ق، ۱۳۶ ص.
۲۵. **خانواده در قرآن**، احمد بهشتی، قم: انتشارات طریق القدس، ۴۲۹ ص.
۲۶. **خودآرایی زن از دیدگاه قرآن**، بانو نعمت صدقی، مترجم: فرزانه غفاری، تهران: نشر احسان، ۱۳۷۶ ش (سوم)، ۱۲۲ ص.
۲۷. **رسالة بديعة فی تفسیر آیه الرجال قوامون علی النساء**، محمد حسینی طهرانی، تهران: منشورات الحکمة، ۱۵۱ ص.
۲۸. **کتاب قبل توسط عده ای از فضلاء حوزه علمیه ترجمه شده**، منشورات الحکمة، ۱۴۰۴ ق، ۲۲۷ ص.
۲۹. **زناشویی از نظر قرآن و احادیث**، حسن مصطفوی، تهران: انتشارات گلی، ۱۳۶۹ ش، ۲۲۸ ص.
۳۰. **زن در آیین جلال و جمال**، عبدالله جوادی آملی، تهران: نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۱ ش، ۴۳۱ ص.
۳۱. **زن در قرآن**، علی دوانی، ۱۳۶۰، ۱۲۰ ص.
۳۲. **زن در قرآن**، عبدالرحمن قادر یونس، عراق: مطبعة الامانة العامة، ۱۴۰۵ ق، ۱۲۰ ص.
۳۳. **الزواج فی القرآن و السنة**، عزالدین بحر العلوم، بیروت: دار الزهراء، ۱۴۰۴ ق، ۳۴۴ ص.
۳۴. **سیمای زن در قصص قرآن**، مصطفی اولیایی، اراک: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۲ ش، ۱۹۹ ص.
۳۵. **سیمای زنان در قرآن**، سید خلیل خلیلیان، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۹ ش (نهم)، ۲۸۳ ص.

۳۶. سیمای زن در تفسیر المیزان، رؤیا برادر، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ ش، ۱۴۶ ص.
۳۷. سیمای زن، عبدالرحیم موگهی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳ ش، ۱۶۰ ص.
۳۸. شخصیت زن از دیدگاه قرآن، هادی دوست محمدی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸ ش، ۱۵۰ ص.
۳۹. شخصية المرأة المسلمة في ضوء القرآن و السنة، خالد عبدالرحمن العك، بيروت: دار المعرفة، ۱۴۱۹ ق، ۴۳۸ ص.
۴۰. الطلاق في الاسلام، علي محمود قراعة، مصر: مكتبة مصر، ۱۸۷ ص.
۴۱. الطلاق في شريعة السماء و قانون الارض، مصطفى ابراهيم الزلمي، بغداد: مطبعة العاني، ۱۴۰۴ ق، ۳۲۳ ص.
۴۲. العلاقات الانسانية في القرآن الكريم، محمد كامل حسن المحاسن، بيروت: المكتب العالمي، ۱۹۹۲ م، ۱۰۹ ص.
۴۳. عوامل تثبيت نظام خانوادگی در قرآن، سيد احمد ميرعمادی، قم: دار القرآن، ۱۳۷۲ ش، ۳۰ ص.
۴۴. فقه المرأة في القرآن و السنة، احمد محمود الشربجي، دمشق: دار السقا، ۱۹۹۷ م، ۹۶ ص.
۴۵. فلسفة نظام الاسرة في الاسلام، احمد الكبيسي، بغداد: مطبعة الحوادث، ۱۴۱۰ ق، ۲۳۲ ص.
۴۶. قرآن و امور خانواده، احمد كاويان پور، تهران: مؤسسه مطبوعاتی مروّج، ۱۳۵۹ ش، ۲۵۰ ص.
۴۷. القرآن و الحيا الجنسية، طارق شفيق الطاهري، بغداد: مكتبة الشطري، ۱۶۷ ص.
۴۸. القرآن و دنيا المرأة، محمود بن الشريف، بيروت: مكتبة الهلال، ۱۹۸۶ م، ۱۵۹ ص.
۴۹. القرآن و المرأة، محمود شلتوت، اسكندرية: دار المعرفة الجامعية، ۱۹۹۳ م، ۸۲ ص.
۵۰. قرآن و مقام زن، علي كمالی دزفولی، تهران: انتشارات هاد، ۱۳۶۹ ش، ۲۲۴ ص.
۵۱. قصص النساء في القرآن الكريم، جابر الشال، بيروت: دار الجليل، قاهره: مكتبة التراث، ۱۴۰۵ ق، ۱۵۹ ص.
۵۲. محمّد صلّى الله عليه و آله الزوج القدوة، احمد مصطفى الحسن، دمشق: دار دانيه، ۱۴۱۳ ق، ۲۱۴ ص.
۵۳. المرأة في رحاب القرآن، محمد احمد علي سحلول، قاهرة: المؤسسة العربية الحديثة، ۱۶۰ ص.
۵۴. المرأة في ظلال القرآن، عكاشه عبدالمنان الطيبي، مصر: دار الفضيلة، ۲۲۹ ص.
۵۵. المرأة في القرآن، عباس محمود العقاد، قاهرة: دار النهضة، ۱۳۹ ص.
۵۶. المرأة في القرآن الكريم، محمد كامل حسن المحاسن، بيروت: المكتب العالمي،

- ۱۹۹۲ م، ۱۳۴ ص.
۵۷. **المراة فى القرآن الكرىم**، محمد متولى الشعراوى، قاهرة: مؤسسة اخبار اليوم، ۱۱۹ ص.
۵۸. **المراة فى القرآن والسنة**، محمد عزة دروزة، دمشق: دار الجبل، ۱۹۸۵ م، ۲۷۰ ص.
۵۹. **المراة المتبرجة و اثرها السبى فى الامة**، عبدالله التلىدى، بيروت: دار ابن حزم، ۱۴۱۱ ق، ۱۵۹ ص.
۶۰. **المراة من الصىاع الى القرآن**، ناجى النجار، بغداد: مطبعة الحوادث، ۱۳۹۹ ق، ۱۱۴ ص.
۶۱. **المراة حقوقها و واجباتها فى القرآن و السنة**، خيرالدين وانلى، دمشق: دار السقا، ۱۹۸۸ م، ۲۹۵ ص.
۶۲. **المراة فى القرآن و السنة**، خالد عبدالرحمن العك، بيروت: دار الحكمة، ۱۴۱۹ ق، ۵۷۸ ص.
۶۳. **موسوعة فقه المراة المسلمة من الكتاب و السنة**، خالد العك، دمشق: دار الايمان، ۱۴۱۳ ق، ۷۸۸ ص.
۶۴. **سىماى زنان در قرآن**، على اكبر بابازاده، قم، تهران: لوح محفوظ، ۱۳۷۷ ش، ۲۰۷ ص.
۶۵. **من بطولات المراة فى القرآن الكرىم**، ابراهيم ابراهيم هلال، قاهرة: مكتبة النهضة، ۱۴۰۶ ق، ۶۰ ص.
۶۶. **منزلت زن**، گردآورنده: واحد خواهران دفتر تبليغات اسلامى، قم: دفتر تبليغات اسلامى، ۱۳۷۱ ش، ۲۸۶ ص.
۶۷. **من قضايا المراة بين آيات قرآنية و اتجاهات شعرية**، كامل حسن البصير، بغداد: مطبعة المجامع العلمى، ۱۴۰۱ ق، ۸۳ ص.
۶۸. **نساء الانبياء فى ضوء القرآن و السنة**، احمد خليل جمعه، بيروت: دار ابن كثير، ۱۴۱۴ ق، ۳۵۹ ص.
۶۹. **نساء انزل الله فيهن قرآنا**، عبدالرحمن عميرة، عربستان سعودى: دار اللواء، ۱۴۰۳ ق، ۲۴۴ ص.
۷۰. **نساء اهل الجنة**، محمد على ابوالعباسى، قاهرة: مكتبة القرآن، ۱۴۰۷ ق، ۹۶ ص.
۷۱. **نساء خالداات فى القرآن الكرىم**، احمد جمال عبدالعادل، قاهرة: مكتبة الكلى ات الازهرية، ۱۴۰۷ ق، ۱۵۹ ص.
۷۲. **نساء فى القرآن**، مريم نورالدين فضل الله، بيروت: دار الزهراء، ۱۴۱۴ ق، ۶۱۹ ص.
۷۳. **النساء فى القرآن الكرىم**، عبدالمنعم عبدالراضى الهاشمى، بيروت: دار ابن كثير، ۱۴۰۸ ق، ۲۸۰ ص.
۷۴. **نساء مثاليات** خالد محمد السعداوى، قاهرة: مكتبة التراث الاسلامى، ۱۹۹۲ م، ۸۶ ص.

۷۵. نساء نزل فیہنّ قرآن، عبدالعزیز الشنادی، مکتبۃ الایمان، ۱۲۱ ص.
۷۶. نساء ذکرن فی القرآن، محمد عمر الحاجی.
۷۷. نگرش تطبیقی زن در آیینہ قرآن، زرتشت، یهود و مسیحیت، الهه و کیلی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ ش، ۱۹۲ ص.
۷۸. نگرش قرآن بر حضور زن در تاریخ انبیا، منیر گرجی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش (دوم)، ۱۷۸ ص.
۷۹. و یسألونک عن المرأة، عبدالحافظ الکبیسسی، بغداد: مطابع ثنیان، ۱۴۰۵ ق، ۲۵۵ ص.
۸۰. آیات النساء، گردآورنده: مولود علمشاهی، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۷۶ ش، ۳۶۰ ص.
۸۱. آداب الحیاة الزوجیة فی ضوء الكتاب و السنة، خالد عبدالرحمن العک، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۸ ق. (سوم)، ۴۹۶ ص.
۸۲. زن در قرآن، به لغت کردی، عبدالرحمن قادر یونس، عراق: مطبعة الامانة العامة، ۱۴۰۵ ق، ۱۲۰ ص.

## ب) مقالات

۱. حکم نگاه زن و مرد بیگانه نسبت به یکدیگر از دیدگاه قرآن و حدیث، حقانی، حسین، **مکتب اسلام**: اردیبهشت ۱۳۵۱، ۴۶ ص.
۲. سخنی پیرامون چهره زن در قرآن، **اعتصام**: اردیبهشت ۱۳۶۱، ۷۱ ص.
۳. ارزش زنان مهاجر از نظر قرآن، **مکتب اسلام**: تیر ۱۳۶۱، ۸ ص.
۴. موقعیت زن در جوامع بشری و قرآن، **اعتصام**: شهریور ۱۳۶۱، ۵۰ ص.
۵. نگرشی به دیدگاه قرآن در مورد تساوی زن و مرد از جهت پذیرش عمل صالح آن‌ها در پیشگاه خدا، **مکتب اسلام**: فروردین ۱۳۶۳، ۱۰ ص.
۶. بررسی جایگاه زن در قرآن، دوست محمدی، هادی، **مکتب اسلام**: خرداد ۱۳۶۵، ۳۵ ص.
۷. نگاهی به جایگاه زن و مرد در قرآن، دوست محمدی، هادی، **مکتب اسلام**: تیر ۱۳۶۵، ۵۹ ص.
۸. آشنایی با جایگاه زن در قرآن، هادی دوست محمدی، **مکتب اسلام**: مرداد ۱۳۶۵، ۳۷ ص.
۹. مروری بر مقام و شخصیت زنان از دیدگاه قرآن، دوست محمدی، هادی، **مکتب اسلام**: بهمن ۱۳۶۵، ۳۶ ص.
۱۰. بیعت اسلام با زنان در قرآن و حدیث، حسینعلی منتظری، **کیهان**: ۱۳۶۷/۷/۱۹، ۳ ص.
۱۱. دیدگاه قرآن نسبت به جایگاه زن در جامعه، محمدحسین فضل الله، **کیهان**

۱۰. ۱۳۶۷/۱۱/۱۰، ص ۱۰.
۱۲. دیدگاه قرآن در مورد زنان، گزارشی از برگزاری کنگره بین المللی زن و انقلاب جهانی اسلام، اطلاعات، ۱۳۶۷/۱۱/۱۰، ص ۲.
۱۳. سرگذشت فتح مکه و پیمان پیامبر اسلام با زنان در قرآن کریم، مکتب اسلام، اسفند ۱۳۶۷، ص ۱۱.
۱۴. مشارکت اجتماعی سیاسی زنان از دیدگاه قرآن، احمد آذری قمی، رسالت، ۱۳۶۷/۸/۸، ص ۱.
۱۵. بررسی ابعاد شخصیت زن از نظر قرآن و اسلام، طاهره دباغ، رسالت، ۱۳۶۸/۸/۶، ص ۲.
۱۶. اسامی زنان نیکوکار در قرآن، جهانبخش ثواب، اطلاعات، ۱۳۶۸/۱۰/۲۷، ص ۷.
۱۷. معرفی کتاب در سیمایی از زندگانی زنان نامدار در قرآن و حدیث اثر احمد بهشتی، نشر دانش، فروردین ۱۳۶۹، ص ۷۴.
۱۸. معرفی کتاب شخصیت زن از دیدگاه قرآن اثر هادی دوست محمدی، اطلاعات، ۱۳۶۹/۲/۱۸، ص ۷.
۱۹. زن از دیدگاه قرآن، کیهان، ۱۳۶۹/۱۰/۲۹، ص ۱۱.
۲۰. ارزش زنان در قرآن مجید، مجتبی محمدی عراقی، رسالت: ۱۳۶۹/۱۲/۲۶، ص ۲.
۲۱. علت تأکید و منع قرآن از نسبت زنا به زنان (قسمتی از کتاب تفسیر سوره نور تألیف شهید مطهری)، اطلاعات: ۱۳۷۰/۲/۱۱، ص ۷.
۲۲. بررسی شخصیت زن در قرآن مجید، پیام زن: دی ۱۳۷۰، ص ۱۶.
۲۳. شخصیت و حقوق زن از نظر قرآن، احمد آذری قمی، رسالت: ۱۳۷۰/۱۰/۲، ص ۴.
۲۴. بررسی ویژگی های خلقی و خلقی زن در قرآن و روایات، احمد آذری قمی، رسالت: ۱۳۷۰/۱۰/۵، ص ۴.
۲۵. بیان نکاتی از آیات نسبت به وجوب یا اولویت چادر برای حجاب زنان، احمد آذری قمی، ۱۳۷۰/۱۰/۷، ص ۵.
- ۲۶ تا ۳۲. نظری بر جایگاه زن و حقوق اجتماعی و وظایف او از دیدگاه قرآن و احادیث، بحثی پیرامون تساوی زن و مرد از دیدگاه قرآن، نگاهی به حقوق و تکالیف اجتماعی زن در زمینه شرکت در انواع فعالیت های اجتماعی از دیدگاه قرآن، بررسی اجمالی تساوی زن و مرد در مجازات از دیدگاه قرآن، بحثی در مورد ممنوعیت زنان از جهاد و حکومت و قضاوت از دیدگاه اسلام، بحثی پیرامون ارزش گواهی زنان از دیدگاه قرآن، بررسی تفاوت های زن و مرد در امور مالی و مسئولیت های خانوادگی از دیدگاه قرآن، حسین مهرپور، کانون وکلای دادگستری، ص ۷۷ تا ۱۰۰.
۳۳. بررسی شخصیت زن از دیدگاه قرآن و اسلام، پیام زن: فروردین ۱۳۷۱، ص ۲.
۳۴. جایگاه حقوق زن و مرد در قرآن و قانون اساسی، هاشم هدایتی، کیهان: ۱۳۷۱/۲/۱۲، ص ۶.



۳۵. بررسی همسویی زن در قرآن با طبیعت از دیدگاه شهید مطهری، حسن عباس نصرالله، کیهان: ۱۳۷۱/۲/۱۴، ص ۶.
۳۶. بحثی در باره شخصیت زن در قرآن و اسلام از دیدگاه استاد مطهری، علی محمد بیرجندی، کیهان هوایی: ۱۳۷۱/۲/۲۳، ص ۱۹.
۳۷. تفسیر آیه ۲۱ سوره روم در مورد آفرینش زن و مرد (قسمتی از کتاب زن در آئینه جمال و جلال اثر آقای جوادی آملی)، پیام زن: خرداد ۱۳۷۱، ص ۸.
۳۸. بررسی آیه الرجال قوامون علی النساء از دیدگاه شهید مطهری، پیام زن: تیر ۱۳۷۱، ص ۱۴.
۳۹. بررسی آیه ۳۳ سوره احزاب در عدم دلالت ممنوعیت دخالت زنان در سیاست توسط استاد مطهری، پیام زن: مرداد ۱۳۷۱، ص ۲۰.
۴۰. معرفی کتاب نگرش تطبیقی به زن در آئینه قرآن و آیین های زردتشت یهود و مسیح، نوشته الهه وکیلی، جمهوری اسلامی ۱۳/۵/۱۳۷۱، ص ۱۰.
۴۱. بررسی خلقت زن و مرد از دیدگاه قرآن، عبدالله جوادی آملی، کیهان: ۱۳۷۱/۶/۲، ص ۱۵.
۴۲. بررسی آیه دین (۲۸۲ بقره) در مورد عدم برابری شهادت زن و مرد توسط استاد مطهری، پیام زن: مهر ۱۳۷۱، ص ۱۰.
- ۴۳ و ۴۴. بررسی شخصیت زن از دیدگاه قرآن، گلگیری، اطلاعات: ۱۳۷۱/۹/۱۴، ص ۷ و ۱۳۷۱/۹/۲۱، ص ۷.
۴۵. تفسیر آیه ۳ سوره نساء در مورد شخصیت و آفرینش زن، عبدالله جوادی آملی، اطلاعات: ۱۳۷۱/۹/۲۱، ص ۷.
۴۶. بررسی شخصیت زن و تساوی حقوق او با مرد از دیدگاه قرآن، طاهره نقیب پورباقفی، اطلاعات: ۱۳۷۱/۹/۲۲، ص ۷.
۴۷. شخصیت و مقام زن از نظر قرآن، گلگیری، اطلاعات: ۱۳۷۱/۹/۲۸، ص ۷.
۴۸. بررسی صفات زن نمونه از دیدگاه قرآن مجید، ژیلما موحد شریعت پناهی، اطلاعات: ۱۳۷۱/۱۰/۲۶، ص ۶.
۴۹. معرفی کتاب زن در آئینه جلال و جمال تألیف آیت الله جوادی آملی، کیهان هوایی، ۱۳۷۱/۱۲/۱۹، ص ۲.
۵۰. معرفی کتاب زنان نامدار در قرآن و حدیث اثر دکتر احمد بهشتی، کیهان هوایی: ۱۳۷۱/۱۲/۱۹، ص ۵.
۵۱. آشنایی با زنان خوب و بد در قرآن، مکتب اسلام، فروردین ۱۳۷۲، ص ۸.
۵۲. معرفی کتاب زن و پیام آوری اثر مرتضی فهیم کرمانی، نشر دانش: فروردین ۱۳۷۲، ص ۵۶.
۵۳. معرفی کتاب نگرش تطبیقی به زن در آئینه قرآن و آیین های زرتشت یهود و مسیح، نوشته الهه وکیلی، ابرار: ۷۲/۱/۳۱، ص ۸.

۵۴. تفسیر آیه ۷ سوره نساء در مورد حق زنان و مردان در ارث، عبدالله جوادی آملی، **اطلاعات**: ۱۳۷۲/۲/۲۵، ص ۷.
۵۵. ترجمه و تفسیر واژه نحله در آیه ۴ سوره نساء در باره مهریه زنان، شهرام هدایت، **مترجم**: تیر ۱۳۷۲، ص ۱۴.
۵۶. معرفی کتاب **چهره زن در آیینه قرآن و اسلام**، اثر مرتضی فهیم کرمانی، آینه پژوهش: اردیبهشت ۱۳۷۲، ص ۸۰.
۵۷. **جایگاه و جلوه‌های گوناگون زن در قصه‌های قرآن**، عبدالکریم خطیب، **مبین**: مهر ۱۳۷۲، ص ۱۰.
۵۸. سیمای زن در قرآن، گلگیری، کیهان: ۷۲/۸/۱۵، ص ۶.
۵۹. سیمای زن در قرآن، گلگیری، کیهان: ۷۲/۸/۱۸، ص ۶.
۶۰. تفسیر آیه‌های ۱۶ و ۱۵ سوره نساء پیرامون حکم زنان زانیه، عبدالله جوادی آملی، **اطلاعات**: ۱۳۷۲/۸/۲۲، ص ۷.
۶۱. بحثی پیرامون حجاب زنان با استفاده از قرآن، قدرت الله نجفی قمشه‌ای، **رسالت**: ۱۳۷۲/۹/۶، ص ۴.
۶۲. تفسیر آیه‌های ۱۶ و ۵۱ سوره نساء پیرامون زنان، عبدالله جوادی آملی، **اطلاعات**: ۱۳۷۲/۹/۱۳، ص ۷.
۶۳. بررسی جایگاه و شخصیت زن در اسلام و قرآن، علی اکبر حسینی، **اطلاعات**: ۱۳۷۲/۹/۱۴، ص ۳.
۶۴. بررسی شخصیت زن و حجاب زنان در قرآن و روایات، ل. فهیمی، **اطلاعات**: ۱۳۷۲/۹/۱۶، ص ۶.
۶۵. بحثی پیرامون آشنایی با فعالیت‌های سیاسی زنان نمونه در اسلام و قرآن، **رسالت**: ۱۳۷۲/۹/۱۸، ص ۳.
۶۶. نگاهی به جایگاه زن در آیین‌های بودا، هندو، یهود، مسیحیت، اسلام و قرآن، احمدعلی افتخاری، **اطلاعات**: ۱۳۷۲/۹/۲۱، ص ۶.
۶۷. معرفی برخی زنان در قرآن، احمدعلی افتخاری، **اطلاعات**: ۱۳۷۲/۹/۲۲، ص ۶.
۶۸. نقش تاریخی زن در قرآن، نفیسه فیاض بخش، **اطلاعات**: ۱۳۷۲/۹/۲، ص ۱۱.
۶۹. نگاهی به حقوق زن در اسلام از دیدگاه قرآن و روایات، زهره صفاتی، کیهان هوایی: ۱۳۷۲/۹/۱۷، ص ۱۲.
۷۰. بررسی نقش زنان در علم حدیث حقوق و قرآن شناسی در آسیای مرکزی سده پنجم و ششم هجری، محمدحسین ساکت، کیهان فرهنگی: دی ۱۳۷۲، ص ۴۸.
۷۱. نگرشی بر استدلال قائلین به عدم صلاحیت زنان برای مرجعیت در قرآن و روایات و اجماع، محمدحسن نجفی، **فقه** (کتاب اول)، بهمن ۱۳۷۲، ص ۳۶.
۷۲. بررسی تاریخیچه و چگونگی آموزش زنان در قرآن و اسلام، محسن سعیدزاده، **پیام زن**: فروردین ۱۳۷۳، ص ۲۷.

۷۳. بررسی سیمای زن و تفاوت‌های آن با مرد در قرآن و نهج البلاغه، فاطمه علیی رحمانی، **اطلاعات**: ۱۳۷۳/۳/۷، ص ۶.
۷۴. بررسی سیما و جایگاه زن در قرآن مجید، فاطمه علیی رحمانی، **اطلاعات**: ۱۳۷۳/۳/۹، ص ۶.
۷۵. نقدی بر اظهارات چاپ شده در مجله زن پیرامون شهادت زن و مرد از دیدگاه قرآن، جمهوری اسلامی: ۱۳۷۳/۳/۹، ص ۲۰.
۷۶. معرفی کتاب **خودآرایی زن از دیدگاه قرآن**، تألیف نعمت صدقی، فرزانه غفاری، **بینات**: تیر ۱۳۷۳، ص ۱۹.
۷۷. تحلیلی از معرفی آسیه و حضرت مریم به عنوان الگوی زنان و حضرت محمد (ص)، و ابراهیم (ع) به عنوان الگوی مردان در قرآن، مینا هاشمی، پاسدار اسلام: مرداد ۱۳۷۳، ص ۲۸.
۷۸. بررسی و تفسیر آیه ۱۹ سوره نساء پیرامون ارث زنان، عبدالله جوادی آملی، **اطلاعات**: ۱۳۷۳/۵/۲۹، ص ۷.
۷۹. معرفی کتاب **زن در قرآن اثر علی دوانی**، **بینات**: مهر ۱۳۷۳، ص ۲۰.
۸۰. معرفی کتاب **شخصیت زن از دیدگاه قرآن** اثر هادی دوست محمدی **بینات**: مهر ۱۳۷۳، ص ۲۰.
۸۱. شخصیت و خرد زن با استناد به نمونه‌های قرآنی آن (بلقیس و آسیه)، فضیلت خواه، **پیام زن**: آبان ۱۳۷۳، ص ۱۲.
۸۲. تصویر زن در پرتو قرآن و کتب مقدس، **آینه پژوهش**: آذر ۱۳۷۳، ص ۹۸.
۸۳. روایاتی از حضرت علی (ع) در مورد میزان سهم ارث زن و مرد و حقانیت قرآن، علی ربانی گلپایگانی، کیهان اندیشه: آذر ۱۳۷۳، ص ۱۱.
۸۴. دیدگاه قرآن کریم درباره سرشت و خلقت زنان و تساوی حقوق آنان با مردان، میترا حیدرجزی، **کیهان اندیشه**، ۱۳۷۳/۹/۳، ص ۷.
۸۵. معرفی کتاب **قرآن و مقام زن اثر علی کمالی دزفولی**، **بینات**: دی ۱۳۷۳، ص ۲۰.
۸۶. معرفی کتاب **نگرش قرآن بر حضور زن در تاریخ انبیا**، تألیف منیره گرجی، **بینات**: دی ۱۳۷۳، ص ۲۰.
۸۷. بحثی در بیان فعالیت‌های اجتماعی زنان در مقایسه با مردان با توجه به آیات قرآن، محمدحسین فضل الله، **پیام زن**: دی ۱۳۷۳، ص ۸.
۸۸. ویژگی‌های مردان و زنان مؤمن و منافق با توجه به آیات قرآن و تکامل آن‌ها، محمدحسین فضل الله، **پیام زن**: دی ۱۳۷۳، ص ۹.
۸۹. بحثی پیرامون نقش زنان و مردان در قرآن و نظریات مربوط به آن، محمدحسین فضل الله، **پیام زن**: دی ۱۳۷۳، ص ۱۰.
۹۰. معرفی کتاب **نگرش قرآن بر حضور زن در تاریخ انبیا**، تألیف منیره گرجی، **اطلاعات**: ۱۳۷۳/۱۰/۲۴، ص ۷.

۹۱. معرفی کتاب **قرآن و زن** اثر آمنه ودود محسن، **اطلاعات**: ۱۳۷۳/۱۱/۱۸، ص ۴.
۹۲. معرفی کتاب **یاقوت و مرجان** اثر علویه ام الفخر علامه، **کیهان**: ۱۳۷۴/۱/۱۴، ص ۷.
۹۳. **جایگاه و منزلت زن در اسلام به استناد آیات و روایات**، زهرا رهنورد، **سیاست خارجی**، تیر ۱۳۷۴، ص ۵۲.
۹۴. قسمتی از کتاب **آن سوی دیوار** در مورد دیدگاه قرآن در باره زن اثر جمیله کدیور، **اطلاعات**: ۱۳۷۴/۸/۹، ص ۱۲.
۹۵. معرفی کتاب **چهره زن در آئینه اسلام و قرآن** اثر مرتضی فهیم کرمانی، **اطلاعات (ضمیمه)**، ۱۳۷۴/۸/۲۲، ص ۷.
۹۶. **جایگاه زنان در قرآن و قصه‌های آن**، هادی قابل، **نامه مفید**: فروردین ۱۳۷۵، ص ۲۸.
۹۷. توانایی زنان در مدیریت و اداره اجتماع به استناد آیه ۳۲ تا ۴۴ سوره نمل، محمدحسین فضل الله، **پیام زن**: تیر ۱۳۷۵، ص ۳۳.
۹۸. نقش متساوی و برابر زنان در برپایی فریضه امر به معروف و نهی از منکر با استناد به آیه ۷۱ سوره توبه، محمدحسین فضل الله، **پیام زن**: تیر ۱۳۷۵، ص ۳۴.
۹۹. بررسی قضاوت زن از نظر قرآن، روایات و فقه‌های شیعه، نعمت‌الله صالحی نجف آبادی، **اطلاعات**: ۱۳۷۵/۷/۱۹، ص ۱۱.
۱۰۰. **جایگاه زن در فرهنگ اسلامی از نظر قرآن**، روایات و سیره معصومین (ع)، مهدی مهریزی، **پیام زن**: آبان ۱۳۷۵، ص ۴۰.
۱۰۱. بررسی قضاوت زن از نظر قرآن و روایات، نعمت‌الله صالحی نجف آبادی، **اطلاعات**: ۱۳۷۵/۸/۳، ص ۱۱.
۱۰۲. معرفی کتاب **زن در آئینه جلال و جمال** اثر آیت الله جوادی آملی، **کیهان**: ۱۳۷۵/۸/۱۲، ص ۶.
۱۰۳. دیدگاه بعضی از علمای اسلام و قرآن در مورد مقام زن، تیلای عباسی، **اطلاعات**: ۱۳۷۵/۸/۱۳، ص ۶.
۱۰۴. قسمتی از کتاب **زن اثر جمیله کدیور** در مورد مقام زن از نظر قرآن، **اطلاعات**: ۱۳۷۵/۸/۱۶، ص ۱۲.
۱۰۵. معرفی کتاب **زن در آئینه جلال و جمال** اثر آیت الله جوادی آملی در مورد شخصیت زن از دیدگاه قرآن، **اطلاعات**: ۱۳۷۵/۸/۱۹، ص ۶.
۱۰۶. بررسی مسئله مهریه زنان در سوره نساء آیه ۴، سلام: ۱۳۷۵/۹/۲۸، ص ۹.

### ج) بخشی از کتاب‌ها

۱. **اسلام و خانواده**، محمد غفرانی، زن از دیدگاه قرآن، ۸۶ تا ۹۱.
۲. **اولین دانشگاه و آخرین پیامبر (ص)**، ج ۲، سیدرضا پاک نژاد، تساوی زن و مرد در قرآن، ۶۶ تا ۱۰۳.

۳. برابری زن و مرد در قصاص، عباسعلی محمودی، تاریخ دیه، قرآن، زن، ۶۵ تا ۸۷.
۴. پژوهشی در جلوه‌های هنری داستان قرآن، ج ۱، قصه زن عمران و قرآن، ۱۳۹ تا ۱۴۶.
۵. تحقیق در ارث زن از دارایی شوهر، قاضی طباطبایی، خبر واحد موافق قرآن و ارث زن، ۹۹ تا ۱۰۴.
۶. تحقیق در ارث زن از دارایی شوهر، قاضی طباطبایی، ارث زن و مرد از نظر قرآن، ۲۲ تا ۱۲.
۷. جایگاه اخص و ممتاز زن، محمدرضا امین زاده، قرآن و زن، ۲۲ تا ۲۶.
۸. جزمیت فلسفه حزبی، ج ۱، ابوذرورداسبی، مقام زن در قرآن، ۲۴۹ تا ۲۷۶.
۹. دایرةالمعارف قرآن کریم، ج ۵، گروهی از نویسندگان، حسن سعید، حقوق زن در قرآن، ۱۲۸ تا ۱۶۸.
۱۰. دایرةالمعارف قرآن کریم، ج ۵، گروهی از نویسندگان، حسن سعید، قرآن و آزادی اقتصادی زن، ۱۴۸ تا ۱۶۱.
۱۱. راهنمای بشر به سوی سعادت، ج ۳، حبیب الله بیاتی، کسب علوم قرآن زن، ۲۳۵ تا ۲۵۸.
۱۲. زن از دیدگاه نهج البلاغه، فاطمه علایی رحمانی، زن در نهج البلاغه و قرآن، ۱۳ تا ۱۶.
۱۳. زن از دیدگاه نهج البلاغه، فاطمه علایی رحمانی، عدالت و شهادت زن در قرآن، ۱۳۷ تا ۱۶۴.
۱۴. زن از دیدگاه نهج البلاغه، فاطمه علایی رحمانی، هویت زن و مرد در قرآن، ۳۱ تا ۳۳.
۱۵. زن از نظر حقوق اسلامی، ابوالفضل حادقی، زن در قرآن مجید، ۶۱ تا ۸۲.
۱۶. زن مظهر خلاقیت الله، علویه همایونی، زن از دید قرآن، ۱۶ تا ۳۴.
۱۷. سیری در تعالیم اسلام، محمد شلتوت، قرآن و نقش زن، ۱۶۵ تا ۱۷۶.
۱۸. طلوع مسلمان، زهرا رهنورد، زن در قرآن، ۳۹ تا ۵۹.
۱۹. سیمای زنان در آینه زمان، محمد عبادزاده کرمانی، اسامی زن‌ها در قرآن، ۱۸۵ تا ۱۸۶.
۲۰. سیمای زنان در آینه زمان، محمد عبادزاده کرمانی، احکام قرآن درباره حقوق زن، ۳۰ تا ۳۱.
۲۱. گفتار شیعه در اصول و فروع، شمس الدین نجفی، قرآن و زن، ۳۵۱ تا ۳۸۲.
۲۲. کنگره بررسی مبانی فقهی امام (ره)، زمامداری و قضاوت زن در قرآن و فقهها، ۲۳۴ تا ۲۴۳.
۲۳. نقد بازشناسی قرآن، عباسعلی برانی، زن در قرآن و اسلام، ۲۴۶ تا ۳۰۶.
۲۴. مجموعه مقالات سمینار تشخیص منزلت

## بررسی کتاب

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های پیدایش اندیشه برابری زن و مرد از دیدگاه اسلام، بازنگری در متون دینی، به ویژه قرآن است. آمنه ودود یکی از پیشگامان این اندیشه است. آمنه ودود در حیات فکری و اجتماعی خود کوشیده تا اثبات کند از نگاه قرآن، مرد ذاتاً هیچ ارجحیتی بر زن ندارد و جنسیت معیار رتبه‌بندی انسان نیست، اما به تصور او از آنجا که در طول تاریخ، تفسیر قرآن یکسره به دست مردان و متأثر از ذهنیت مردسالارانه حاکم بر جوامع اسلامی نوشته شده، همواره دارای سوگیری‌های مردانه بوده است. او حاصل بازخوانی‌اش از قرآن را که حاوی مبانی و نتایج دیدگاه او درباره نگاه قرآن به زن و نقش جایگاه اجتماعی اوست در کتابی با نام **قرآن و زن** به زبان انگلیسی منتشر کرده است.

فصلنامه نقد کتاب

قرآن و زن

سال اول، شماره ۱  
بهار ۱۳۹۴

۱۵۰

نویسنده کتاب **قرآن و زن**، بعد از این که اسلام آورد، نام آمنه ودود را بر خود گذاشت. پیش از آن نام وی مری تسلی بود. پدر او یک مسیحی پروتستانی بود، او و پدرش هر دو آمریکایی آفریقایی‌تبارند. وی در سال ۱۹۷۲ مسلمان شد و دو سال بعد هم رسماً نام خود را به آمنه ودود تغییر داد. خانم ودود دوره کارشناسی ارشد خود را در رشته مطالعات خاورمیانه گذراند و دکترای خود را نیز در رشته ادبیات عرب و مطالعات اسلامی از دانشگاه میشیگان گرفت.

آمنه ودود در دانشگاه قاهره زبان عربی آموخت و بعدها در سه دانشگاه مالزی، اندونزی و دانشگاه ویرجینیا در آمریکا، تدریس کرد. خانم ودود متأهل و دارای پنج فرزند و سه نوه است و اکنون چند سال است که بازنشسته شده است.

آمنه ودود شاگرد فضل‌الرحمان و تحت تأثیر اندیشه‌های روش‌شناسانه او بوده است، به همین دلیل نیز خانم ودود تلاش کرده تا در کتاب **قرآن و زن**، یک شیوه هرمنوتیکی را که متأثر از دیدگاه‌های فضل‌الرحمان بوده است، برای بررسی جایگاه زن در قرآن به کار گیرد. خود آمنه ودود نام روش هرمنوتیکی‌اش را «هرمنوتیک توحیدی»، یا روش تفسیر توحیدی می‌خواند و ویژگی‌هایی را برای آن برمی‌شمرد. او معتقد است که ما برای بررسی یک متن باید سه نکته را مد نظر قرار دهیم؛ یکی فضایی که آن متن در آن نوشته می‌شود؛ دیگر ساختار نحوی متن و سوم جهان بینی متن.

ودود می‌گوید که علت تفاوت تفاسیر مختلف از یک متن و در اینجا اختصاصاً متن دینی یعنی قرآن، تفاوتی است که در یکی از این سه پدید می‌آید؛ یعنی شناخت مفسر از فضایی که متن در آن نوشته می‌شود و همین طور آگاهی‌های نحوی و دستور زبانی مفسر در مورد آن متن و علاوه بر این دو، شناختی که از جهان بینی آن متن پیدا می‌کند. هرگونه اختلاف مفسران در یکی از این سه زمینه، به تفاوت شیوه تفسیری‌شان منجر خواهد شد.

آمنه ودود درباره نگارش کتاب **قرآن و زن** می‌گوید: هدف من از این پژوهشی که انجام داده‌ام این است که در واقع وضعیت موجود زنان را در فرهنگ مسلمانان می‌بینم و فکر می‌کنم که فاصله زیادی بین این وضعیت و آنچه که در قرآن هست، وجود دارد. او می‌خواهد نشان دهد که نگاه قرآن به زن نگاهی است متفاوت از آن نگاهی که در جوامع

مسلمان به زن وجود دارد.

این کتاب در واقع پایان نامه دکترای آمنه ودود بوده است. ایشان از آن زمان به بعد، در چند مقدمه که بر کتاب می نویسند اظهار می دارد که دغدغه های من ابتدا از اینجا شروع شد که ببینم قرآن چه می گوید و چگونه آنچه را که می خواهد بگوید بیان می کند، اما کم کم دغدغه های دیگری نیز بر دغدغه اول من افزوده شد و آن هم این بود که چه چیزهایی در قرآن گفته نشده است و در واقع سکوت هایی که در قرآن هست چه معنایی دارد.

به عقیده آمنه ودود فقط با آن پرسش های پیشین، یعنی این که قرآن چه می گوید و چگونه می گوید، ما نمی توانیم جهان بینی متن و جهان بینی قرآن را بفهمیم. حتماً باید به این ناگفته های قرآن هم توجه کنیم تا بتوانیم مقصود اصلی قرآن را دریابیم.

یکی از نکته هایی که نویسنده کتاب **قرآن و زن**، خود بر آن تأکید دارد، این است که ترم و اصطلاح «عام و خاص» برای کسانی که در زمینه علوم قرآنی کار می کنند یک ترم و اصطلاح آشناست؛ الفاظ عام قرآن و الفاظ خاص قرآن و این پرسش که آیا از الفاظ عام قرآن می توان اراده خصوص هم کرد و این که آیا از الفاظ خاص قرآن اراده عام هم می شود کرد، یکی از مباحث عمده در علوم قرآنی است. آمنه ودود این ترم و این اصطلاح را بسط می دهد و به خوبی روی آن کار می کند.

آمنه ودود چیزی را در اسلام دیده است که ارزش تفسیری برای او دارد، آن چیز هم مسئله عدالت است. در تفسیر وی با این امر مواجه می شویم که هر چیزی را با عدالت خداوند مقایسه می کند. او در نگاه خود به جوامع مسلمان احساس می کند زن ها در این جوامع با وظایف و تعریف یک زن که در قرآن آمده است آشنا نیستند و همین هم باعث می شود تا غربی ها این زنان را مورد داوری برای شناخت اسلام قرار دهند و بر اساس وضعیت آن ها در مورد اسلام داوری کنند. آمنه ودود در کتاب خود می گوید غربی ها اگر می خواهند به وضعیت زن در اسلام توجه داشته باشند و به آگاهی از آن برسند باید به خود قرآن مراجعه کنند.

برخی افراد از تفسیرهایی که از قرآن شده، به این نتیجه رسیده اند که نظام قرآن یک نظام مردسالار است؛ در حالی که آمنه ودود این امر را رد می کند و می گوید که قرآن نیز این امر را تأیید نکرده، بلکه این مفسران مرد بوده اند که به این امر دامن زده اند.

در روش آمنه ودود، روح قرآن باید در همه جا دیده شود، یعنی تفسیر ارائه شده باید با کل قرآن و عدالت آن سازگار باشد. در صورتی که مردسالار بودن با عدالت قرآن سازگاری ندارد و برای هر یک از آن ها نیز پاسخ هایی ارائه شده که نشان می دهد اثر بردن زن، تعدد زوجات و نیز سلطه مرد بر زن آن گونه که برخی مفسران تفسیر کرده اند نیست و عدالت در این موارد نیز به بهترین وجه ممکن رعایت شده است. قرآن اگر در جایی سخن نگفته به این معنا نیست که سخنی برای گفتن نداشته، بلکه قصد نداشته است تا وارد جزئیات شود و جوامع را محدود سازد.

آمنه ودود همیشه در کتاب خود گفته که در قرآن هیچ موردی ندیده است که بگوید

مرد از زن برتر است. آمنه ودود برای این کار آیه مبارکه خلقت را بررسی می‌کند و می‌گوید بسیاری از آیه خلقت این برداشت را دارند که خداوند اول آدم را خلقت کرد و بعد از او زن را پدید آورد در صورتی که این برداشتی اشتباه است. خداوند در آیه خلقت می‌فرماید: شما را از نفس واحد خلق کردیم که منظور از نفس همان جوهره وجودی است. خداوند اول جوهر وجودی را خلق کرد و زوج آدم و حوا را از یک جوهره آفرید.

آمنه ودود این امر را که نظام قرآن یک نظام مردسالار است رد می‌کند و می‌گوید که قرآن نیز این امر را تأیید نکرده است، بلکه این مفسران مرد بوده‌اند که به این امر دامن زده‌اند. روح کتاب باید در همه جا دیده شود یعنی تفسیر ارائه شده باید با کل قرآن و عدالت آن سازگار باشد در صورتی که مردسالار بودن با عدالت قرآن سازگار نیست.

وی بحث شهادت دادن دو زن در برابر یک مرد را از جمله دیگر مواردی می‌داند که در کتاب زن و قرآن آمنه ودود به آن پرداخته شده است. خداوند در آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره به بحث در مورد شهادت و گواهی دادن می‌پردازد. بر اساس تفسیر برخی مفسران در بحث شهادت وجود دو مرد لازم است و اگر نبود، یک مرد و دو زن باید حضور داشته باشند تا شهادت صحیح باشد. برخی مفسران می‌گویند این امر یعنی این که خداوند دو زن را برابر با یک مرد دانسته است؛ در صورتی که آمنه ودود این قضیه را به طور کلی منتفی می‌داند و می‌گوید آنچه در اینجا مطرح است این است که در این آیه، نقش هر دو زن شهادت دادن نیست، بلکه نقش زن دوم حمایتی است. آمنه ودود می‌گوید: چون در جامعه‌ای که زنان با محدودیت‌هایی مواجه هستند، شهادت یک زن می‌تواند تحت تأثیر اراده مردان قرار گیرد و ممکن است که زن توسط مردان تطمیع شود، مسئله زن دوم برای شهادت دادن در این آیه مطرح می‌شود.

ودود مسئله مهم‌تری را نیز مطرح می‌کند و آن هم این‌که در زمانی که زنان حتی حق نفس کشیدن ندارند و زنده به‌گور می‌شوند، خداوند در قرآن از حق شهادت دادن آن‌ها سخن می‌گوید و در واقع قرآن به آن‌ها شخصیت حقوقی می‌دهد.

مواردی همچون ارث، تعدد زوجات و سلطه زن بر مرد از دیگر مواردی است که در کتاب آمنه ودود به آن‌ها پرداخته شده و برای هر یک از آن‌ها نیز پاسخ‌هایی ارائه شده است که نشان می‌دهد ارث بردن زن، تعدد زوجات و نیز سلطه مرد بر زن آن‌گونه که برخی مفسران تفسیر کرده‌اند، نیست و عدالت در این موارد نیز به بهترین وجه ممکن رعایت شده است. قرآن اگر در جایی سخن نگفته است به این معنا نیست که سخنی برای گفتن نداشته است، بلکه قصد نداشته است تا وارد جزئیات شود و جوامع را محدود سازد.

همان‌طور که بیان شد، عنوان روش تفسیری آمنه ودود روش توحیدی است، در بین تمام تقسیم‌بندی‌های روش تفسیر قرآن کریم روشی به نام «روش توحیدی» دیده نمی‌شود و تنها از طریق آمنه ودود است که نام این روش شنیده می‌شود. در این روش اعتقاد به روح کلی حاکم بر قرآن کریم یا جهان‌بینی کلی بر قرآن یک اصل اساسی است. یک مفسر اول باید این روح را استخراج کند و بعد آیات را در پرتو این جهان‌بینی تفسیر کند.



مهم‌ترین عناصر این روح کلی حاکم بر قرآن از نظر آئینه و دود عدالت است و مؤلفه دوم نیز تحول اخلاقی در جوامع است و قرآن آمده است تا انسان اخلاقی را بسازد. پس تمام آیات باید در پرتو این امر تفسیر شود.

از دید آئینه و دود رویکرد تفاسیر گذشته یک رویکرد جزء‌گرایانه بوده است، این رویکرد به این معناست که مفسر، یک آیه از قرآن کریم می‌گیرد و تفسیر می‌کند که این ما را به مقصود و مراد خداوند متعال نمی‌رساند. آئینه و دود به نوعی به تفسیر قرآن به قرآن اعتنا دارد. آئینه و دود می‌گوید اگر قرآن را جزء‌گرایانه تفسیر کنیم گستره قرآن را محدود کرده‌ایم. از نظر و دود باید در روش تفسیری توحیدی بین عام و خاص قرآن کریم رابطه برقرار شود، منظور وی معنای لغوی این دو کلمه نیست، بلکه مراد وی از عام، خود جهان بینی و روح کلی حاکم بر قرآن است و مقصود از خاص نیز همان وضعیت خاص عربستان در زمان نزول قرآن کریم بوده است.

در روش آئینه و دود، روح قرآن باید در همه جا دیده شود یعنی تفسیر ارائه شده باید با کل قرآن و عدالت آن سازگار باشد؛ در صورتی که مردسالار بودن با عدالت قرآن سازگاری ندارد؛ و برای هر یک از آن‌ها نیز پاسخ‌هایی ارائه شده که نشان می‌دهد ارث بردن زن، تعدد زوجات و نیز سلطه مرد بر زن آن‌گونه‌ای که برخی مفسران تفسیر کرده‌اند نیست و عدالت در این موارد نیز به بهترین وجه ممکن رعایت شده است. قرآن اگر در جایی سخن نگفته، به این معنا نیست که سخنی برای گفتن نداشته، بلکه قصد نداشته است تا وارد جزئیات شود و جوامع را محدود سازد.

### بررسی محتوای کتاب

پژوهش برای نویسنده کتاب به دست دادن معیاری مشخص برای ارزیابی این مطلب است که وضعیت موجود زنان در فرهنگ مسلمانان تا چه حد بیانگر جایگاه زن در جامعه از نگاه اسلام است. قرآن معیار نهایی و موثق‌ترین مرجع موجود در میراث اندیشه اسلامی است؛ چراکه مسلمانان گرچه با برداشت‌های گوناگون به اتفاق آن را کلام خداوند می‌دانند که با هدف هدایت بشر به محمد (ص) وحی شده است، اما طبیعی است که می‌توان از قرآن به مثابه سنجه‌ای در بررسی اسلامی بودن یا نبودن وضعیت زنان در جوامع فعلی مسلمانان یاد کرد. از آنجا که زنان در بیشتر جوامع مسلمان، خواه مسلمانان در اکثریت باشند یا اقلیت به اندازه مردان مهم انگاشته نمی‌شوند، زنان مسلمانان از موقعیت مساوی با مردان برخوردار نیستند. اگر عملکرد مسلمانان به واقع حکایت‌کننده دیدگاه اسلام باشد، پس باید گفت در اسلام مرد و زن با هم برابر نیستند، اما نویسنده کتاب نشان داده است که حتی اگر در قرآن اشاره‌ای صریح به عدم تساوی زن و مرد وجود داشت، قبول آن می‌توانست لازمه ایمان به اسلام تلقی شود. نویسنده در بخشی از کتاب اذعان می‌دارد: «خدا روشکر، هرچه بیشتر در قرآن تحقیق کردم، فارغ از قیدوبند قرن‌ها قرائت جنسیت‌محور و تمایلات فرهنگی عربی اسلامی، بیشتر یقین کردم که در اسلام زن از جهت آغاز پیدایش و از نظر

کیهان‌شناختی، آخرت‌شناختی، روحی و معنوی انسان کامل و برابر با همه انسان‌هایی است که خدا را پروردگار، محمد (ص) را پیامبر و اسلام را به مثابه دین پذیرفته‌اند. آنچه باقی ماند این بود که جزئیات این تحقیق به منزله دلایل موجه برای مخالفت با رفتار نابرابری که زنان در طول تاریخ تجربه کرده‌اند و هنوز هم در متن جوامع اسلامی در لباس قانون تجربه می‌کنند، دفاع کنیم»<sup>۱</sup>.

### در آغاز، مرد و زن برابر بودند؛ آفرینش انسان در قرآن

قرآن آفرینش زن را چگونه توصیف می‌کند؟ آیا گزارش‌های قرآنی از فرایند انسان زن را از مرد به گونه‌ای متمایز می‌کند که استعدادها و توانایی‌های او را تنها به نقشی بیولوژیک محدود کند؟ آیا این نقش بیولوژیک به پستی و پایین رتبه بودن او در خلقت دلالت دارد؟ گرچه وقتی قرآن از آفرینش انسان سخن می‌گوید، به مردان و زنان به گونه‌ای متفاوت می‌پردازد، اما به اعتقاد من هیچ‌گونه تفاوت اساسی در ارزش‌های منتسب به زن و مرد وجود ندارد. از این رو، هیچ اشاره‌ای به این مطلب وجود ندارد که زنان نقاط ضعف بیشتری نسبت به مردان دارند. قرآن در ارائه موضوعات اصلی خود زن را گونه‌ای از مرد به شمار نمی‌آورد. مرد و زن دو دسته از نوع بشرند که عنایت واحد یا برابری به آن‌ها شده و استعداد واحد یا برابری به ایشان عطا شده است. هیچ‌یک از آن‌ها از شمول هدف اصلی کتاب که همان هدایت انسان به سمت تشخیص برخی حقایق و ایمان به آن‌هاست، خارج نیستند. قرآن همه مؤمنان، مرد و زن را ترغیب می‌کند که ایمان خود را با عمل همراه کنند و به سبب آن است که به آن‌ها وعده پاداش عظیم می‌دهد. از این رو، قرآن میان مرد و زن در آفرینش، در هدف کتاب، یا در پاداشی که وعده می‌دهد تفاوت قائل نمی‌شود.<sup>۲</sup>

گزارش قرآنی آفرینش انسان با سایر موضوعات در جهان بینی کلی قرآن مرتبط است. توحید، هدایت، مسئولیت اخلاقی فردی و برابری. برای مثال پدیده جفت‌ها در آفرینش اصل اساسی قرآنی توحید یعنی یکتایی خداوند را تأیید می‌کند. قرآن به صراحت بیان می‌کند که «هیچ چیز مانند او نیست».<sup>۳</sup> از نظر فلسفی از آنجا که تمامی موجودات جفت‌اند، او که آفریده نیست جفت نیست. آفریدگار یکی است. روایت قرآنی آفرینش انسان پیوندی ویژه میان آفریدگار (الله) و آفریده (انسان) ایجاد می‌کند. این پیوند مبنای وجود قرآن و اساس هدایتی است که مرتبط با آفرینش است. لحظه‌ای که آدم بر زمین گام نهاد، پایه ارتباط میان آفریدگار و انسان‌های آفریده شده از طریق هدایت یا وحی کامل شد. «او گفت فرود آید (شیطان و انسان) هر دوی شما یکی از شما دشمن دیگری است؛ اما اگر هدایت من به سوی شما آمد، هر کس از هدایت من پیروی کند، نه گمراه خواهد شد و نه بدبخت می‌شود».<sup>۴</sup>

ارتباط منحصر به فرد و پویا میان آفریدگار در روح خداوند که در هر موجودی (مرد یا زن) دمیده شده نیز آشکار می‌شود. هم روح و هم هدایت ما را در تلاش برای گذارندن آزمون در روی زمین، مقاومت در برابر شیطان و منتهی شدن به خوشبختی ابدی یاری می‌کنند.

اگرچه مرد و زن شخصیت‌های ذاتاً لازم و ملزوم یکدیگر در آفرینش انسان‌اند، هیچ وظیفه یا نقش خاص فرهنگی در لحظه آفرینش برای آن‌ها تعریف نشده است. در آن لحظه خداوند خصوصیتی عمومی برای همه انسان‌ها تعریف می‌کند و نه ویژگی‌های خاص برای جنسی خاص یا گروهی خاص در زمان و مکانی خاص. آیات الهی هم به صورت کلام و حیانی و هم به صورت اشکال تجربی در طبیعت در دسترس همه قرار دارند. آیات تجربی (آفاتی) را هرکس، در هر جا و هر زمان می‌تواند درک کند. آیات خاصی که خدا بر گروهی برگزیده در زمان‌های خاصی تحت شرایط ویژه نازل کرده و خطاب به همه است. روایت قرآنی داستان بهشت بر مسئولیت فردی دلالت دارد و نفس آن بر فردیت صحه می‌گذارد. از این رو، هر عمل خوبی انجام شود به آن نفس برمی‌گردد و هر عمل بدی صورت گیرد، عواقب آن متوجه آن نفس است. گزارش قرآنی آفرینش انسان مهم است، خصوصاً به این خاطر که یادآور می‌شود همه انسان‌ها در یک مبدأ واحد شریک‌اند. این مبدأ در گزارش‌های قرآنی آفرینش با واژه نفس نشان داده شده است. درست همان‌گونه که مبدأ واحد داریم، مقصد واحد هم داریم: از یکی به بسیار برمی‌گردد و دگربار به یکی بازمی‌گردد. باید دید قرآن با تعامل‌های میان آن بسیار چگونه برخورد می‌کند.

### دیدگاه قرآن درباره زن در دنیا

مطالعه جامعه درباره برخورد قرآن با موضوع زن باید شامل بررسی نقش‌هایی باشد که شخصیت‌های مؤنث ذکر شده، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، در متن قرآن ایفا کرده‌اند. اهمیت این زنان در فضایی که در آن ذکر شده‌اند چیست؟ آیا آن‌ها فقط برای زنان ذکر شده‌اند یا برای همه خوانندگان، تا هدف قرآن که همان هدایت است محقق شود؟ آیا قرآن نقش واحد و یک‌شکلی را برای زنان در جامعه ارائه می‌دهد؟ نگارنده در این بخش نشان خواهد داد که قرآن هیچ نقش کلیشه‌ای و معینی را برای شخصیت‌های خود، مرد یا زن، تأیید نمی‌کند.

نقش زنانی که در قرآن به آن‌ها اشاره شده در سه گروه قابل تقسیم‌بندی است: ۱. نقشی که زمینه اجتماعی، فرهنگی و تاریخی‌ای را که زن در آن می‌زیسته، بدون این که متن قرآن، آن را تحسین یا نقد کند نشان می‌دهد؛ ۲. نقشی که وظیفه پذیرفته شده عمومی زن (یعنی پرورش کودک یا خانه‌داری) را جامعه عمل می‌پوشاند که می‌تواند استثناهایی هم داشته باشد و این استثناها حتی در خود قرآن هم آمده است؛ و سرانجام؛ ۳. نقشی که وظیفه خاص غیرجنسیتی را محقق می‌کند؛ به عبارت دیگر، نقشی که نشان‌دهنده تلاش‌های بشر روی زمین است و قرآن این نقش را ذکر کرده است تا آن را توضیح دهد و نه جنسیت عامل آن را که از قضا زن است.<sup>۵</sup>

سعی نگارنده در این بخش بر این است که اهمیت شخصیت‌های زن خاصی را که در قرآن ذکر شده است برای جهان مدرن ثابت کند؛ چرا که به زعم نویسنده کتاب «اگر نتایج فهم ما از قرآن امروزه در عمل موفقیت‌آمیز نباشد، یا در ارزیابی صحیح موقعیت فعلی ناکام

بوده‌ایم یا در فهمیدن قرآن توفیقی نداشته‌ایم».<sup>۶</sup> به هر حال، برای این منظور، ابتدا اهمیت این زنان را در بافت متن توضیح می‌دهد. نویسنده همه زنان را، چه از آن‌ها به‌صراحت نام برده شده باشد و چه به‌طور گذرا به آن‌ها اشاره شده باشد، به دو دسته اصلی تقسیم کرده است.<sup>۷</sup> آن‌هایی را که هیچ اهمیت مستقلی ندارند، در دسته نخست قرار داده است. این دسته را به دو سطح تقسیم کرده است: آن‌هایی که ذکر اندکی از آنان شده است و زنانی که عملکردهایی مختص به نقش مناسب یک زن داشته‌اند. در هر دو سطح، این زنان در هدف هدایت عام قرآنی اهمیت چندانی ندارند، اما به خاطر انسجام داستان یا واقعه ضروری هستند. در سطح دوم این دسته، زنان بر حسب محدودیت‌های اجتماعی شرایط ویژه خود عمل می‌کردند. قرآن ایشان را به عنوان «نمونه‌ها»ی عام و جهان‌شمول به تصویر نمی‌کشد.

فصلنامه نقد کتاب

قرآن و تمدن

سال اول، شماره ۱  
بهار ۱۳۹۴

۱۵۶

مثال‌ها و نمونه‌های قرآن اطلاعات ملموسی درباره کاربرد قواعد اخلاقی مهیا می‌کند. برای به کار بستن اصول اخلاقی قرآن، خواننده باید تا حدی درک علمی داشته باشد. کنش‌ها ریشه در موقعیت‌ها دارند. خوانندگانی که مفهوم زن را در قرآن تفسیر می‌کنند، غالباً با این تصور به سراغ متن می‌روند که زن عملکردهای مناسب خود را دارد. زمانی که این تصورات در لایه سطحی تصویر قرآنی تأیید می‌شود، آنان نگاهی فراتر به آن نمونه‌ها نمی‌کنند. این امر زمانی که چشم‌انداز تفسیر فرد با خود قرآن تلفیق شود، به ساده‌انگاری و تعارضات بسیار زیادی منتهی می‌شود.<sup>۸</sup>

نویسنده خاطرنشان می‌کند که در همه اشاراتی که در قرآن به شخصیت‌های زن شده، نوعی رفتار خاص مهم فرهنگی صورت گرفته که احترام به زن را اثبات می‌کنند. آن‌ها به‌استثنای مریم، مادر عیسی، هرگز با نام نامیده نشده‌اند. بیشتر آن‌ها همسر هستند؛ و قرآن به‌وسیله ساختار ملکی (اضافه) که شامل یکی از واژگان عربی در معنای همسر است، به آن‌ها اشاره می‌کند: امرأه (زن)، نساء (زنان)، یا زوج (همسر یا جفت) و اسم یک مرد خاص؛ مثلاً امرأه عمران، یا زوج آدم.

حتی زن ازدواج نکرده یا زنی که نام همسرش ذکر نشده، به یک مرد منتسب شده است؛ آخت موسی (خواهر موسی)، ام موسی (مادر موسی). به هر حال این نمود ویژه احترام، به بافت آن محیط محدود می‌شود. این اصل عمومی - که زنان باید با احترام مورد خطاب قرار گیرند. برای کسانی که قرآن را در زمان‌های بعد می‌خوانند مورد نظر بوده است.

### برابری جزا: آخرت در قرآن

تصاویری که قرآن از آخرت عرضه می‌کند، متوجه فرد است. در قرآن، این فرد است که هر مرحله از آخرت را تجربه می‌کند.<sup>۹</sup> «اکنون بیکه و تنها به‌سوی ما آمده‌اید چنان‌که ابتدا شما را آفریدیم». گاهی با واژه نفس و گاهی با «یکی از شما» به این فرد اشاره می‌شود. این فرد بر مبنای جنسیت متمایز نشده است، بلکه براساس ایمان و اعمال متمایز شده که معیاری است که به‌طور مداوم در قرآن به‌کار رفته است. جزا با عدالت کامل بدون توجه به جنسیت بین افراد توزیع می‌شود. قابلیت دستیابی به بهترین پاداش یا دریافت بیشترین مجازات

به طور مساوی برای زن و مرد وجود دارد. قرآن بر این موضوع تأکید و صراحت دارد. گرچه تصاویر روشن و مشروح آخرت بهشت و دوزخ گاهی کاملاً صریح است، بدیهی است که بنا نیست این توصیفات، به استثنای تصاویر مربوط به رنج و لذت، کاملاً در معنای حقیقی گرفته شود، بلکه این توصیفات روشن روش قرآن برای وصف پذیر کردن امور وصف ناپذیر و قابل فهم کردن پدیده های غیبی است. به هرکس چیزهایی مشابه آنچه در این دنیا از آن لذت می برده داده خواهد شد.

نادیده گرفتن تفاوت توصیف مکی و مدنی بهشت به نتایج نادرستی انجامیده است. پیام قرآن در مکه کامل نبود. در مکه علائمی داده شد که قبل از تکمیل پیام در مدینه باید توسعه می یافت. پیام کامل شده، در کلیت خود، در اهداف نهایی شفاف تر است. به این ترتیب، واژه عام ازدواج به معنای مصاحبان که در آیات مدنی توصیف شده است، مرحله ای از رشد را نشان می دهد و اصل زوجیت را که انسان به واسطه آن آفریده شده است کامل می کند. هدف نهایی از این هم عالی تر است. برترین ارزش بهشت از منظر خداوند نزدیکی به او یعنی به خداوند یکتاست. مطمئناً دستیابی به چیزهایی مشابه لذات دنیوی صرفاً مرحله پست تر ارزش هایی است که باید نهایتاً شکل گیرد. این مرحله باید در جایگاه خود حفظ شود و نباید آن را به عنوان نماد تمامی منظور پیام تعمیم داد. هر اندازه توصیفی خاص تر باشد، منظور آن محدودتر خواهد بود. سرانجام، بر اساس قرآن، پاداش خوبی، خوبی است و خوبی و بدی برابر نیستند. از منظر خداوند، خوبی بی نهایت از بدی ارزشمندتر است. احتمالاً خوش بینی قرآن به سرنوشت انسان مستقیماً با این نظام ارزشی مرتبط است.

### حقوق و نقش های زن: برخی مشاجرات

امکان ندارد درباره موضوعی در قرآن بحث کرد و این بحث را آخرین کلام در این مورد دانست. همچنین نمی توان معنای همه مطالب قرآن درباره انسان در دنیا را به طور قطعی نتیجه گیری کرد. متن بر ساکنان دنیا نازل شده، در زمانی که آن ها ساکن دنیا بودند و ما همگی زمانی متن را می خوانیم و بررسی می کنیم که در دنیا هستیم. به این ترتیب، حیات زمینی ما برداشت های ما را از متن تغییر می دهد و متقابلاً متن قابلیت تغییر دادن آن را دارد. مهم تر این که، به خاطر هدف قرآن در هدایت امور انسان ها، تأکید خاصی بر فهمیدن و به کار بستن متن در حیات دنیوی صورت می گیرد.

در بررسی من در باب موضوع زن در دنیا از منظر قرآن، در فهم ما از تصویر قرآنی مشکلاتی ذاتی وجود دارد. عملکرد ما در دنیا را جهان بینی ما شکل می دهد (وبالعکس). ما هنوز به آرمان شهر قرآنی دست نیافته ایم. هرگاه قرآن دیدگاهی را درباره چگونگی عمل کردن در دنیا تأیید کند، مشاجرات سر برمی آورند. بسیاری از ایده های پرفردار یا غالب درباره نقش زن تأیید قرآنی ندارند. بیان این امر مشکلاتی را پدید می آورد؛ این مشکلات البته نه در تحلیل منطقی متن، بلکه بیشتر در به کار بستن این تحلیل جدید در فضای جوامع مسلمان پدیدار می شوند.

هرمنوتیک هر متنی باید برای تأیید نتایج خود با سه جنبه مختلف مواجه شود:

۱. فضایی که متن در آن نوشته شده است (در مورد قرآن، فضایی که قرآن در آن نازل شد)؛
۲. ترکیب دستوری متن (چگونگی بیان آنچه می‌گوید)؛ و ۳. کلیت متن، بینش یا جهان بینی آن. اختلاف دیدگاه‌ها اغلب نتیجه نوسان در تأکید بر این سه جنبه است. مفاهیم، واژه‌ها یا آیات برگزیده از چشم‌اندازهای زیر بررسی شده است: ۱. هیچ ارزش ذاتی در مرد یا زن قرار داده نشده است. در واقع، هیچ نظام طبقاتی استبدادی از پیش تعیین شده و ازلی وجود ندارد؛ ۲. قرآن نقش زن و مرد را تا به آن حد انحصاری ترسیم نکرده است که فقط یک امکان برای هر جنسی ارائه دهد (یعنی این‌که زنان باید مثلاً نقش الف و تنها نقش الف را ایفا کنند، حال آن‌که مردان باید نقش ب را بر عهده بگیرند و تنها مردان توان بر عهده گرفتن نقش ب را دارند). برای اثبات این نکات، تحلیل مفصلی از آیاتی که از آن‌ها برتری مردان بر زنان برداشت شده است خواهد شد؛ به این منظور، دیدگاه عام منسجم‌تری درباره حقوق و مسئولیت‌های فرد در جامعه با استفاده از مفاهیم خاص قرآنی توضیح داده خواهد شد. در مجموع، در تحلیل نگارنده معنای بسیاری از آیات به یک موضوع، رویداد یا سیاق خاص محدود می‌شود. این محدود کردن‌ها را بر مبنای فضای آیات، یا کاربرد مفاهیم عام قرآنی از جمله عدالت در برخورد با انسان، منزلت انسانی، حقوق مساوی در برابر قانون و در برابر خداوند، مسئولیت متقابل و روابط عادلانه میان انسان‌ها انجام خواهد داد. جنبه دیگر تحلیل نشان دادن اهمیت تحولات تاریخی در قرآن است. قرآن با توجه به تحولات مربوط به روابط انسانی، اخلاق و اصول اخلاقی در جامعه مسلمانان معاصر نزول وحی رشد و پیشرفت منطقی دارد. اهمیت این امر در کاربرد احکام اخلاقی مربوط به نقش زن نشان داده خواهد شد.

اگر به کلیت قرآن و نه به جزء جزء آن نگاه کنیم، نقش زن در جامعه و توان بالقوه او از وجودی حقیرو بی‌معنا که در حد یک جاندار تولیدمثل‌کننده، تنها می‌تواند مانند یک خدمتکار خانگی عمل کند، مسلماً فراتر خواهد رفت. هم‌چنین مهارت‌ها و مشارکت او در جبهه خانه مهم و معنادار تلقی می‌شود، چنان‌که تمام کسانی که قصد آن‌ها انجام اعمال نیک است، برای انجام این کارها شتاب خواهند کرد.

فهم قرآن را می‌توان به دو سطح تقسیم کرد: قرائت و تفسیر. در سطح قرائت، هر خواننده‌ای در همان حال که می‌خواند می‌فهمد. این سطح فهم را بینش‌ها، تجارب، حافظه و دیدگاه‌های زبانی هر خواننده، یعنی متن پیشین او، شکل می‌دهد. در بیشتر موضوعات، متن پیشین نشان‌دهنده تلقی‌های خاصی از جنسیت است. دغدغه‌های متن پیشین نشان‌دهنده تلقی‌های خاصی از جنسیت است. دغدغه‌های خاص مربوط به جنسیت در متن قرآن، این تلقی‌ها را حاضر کرده است و در کانون توجه قرار می‌دهد و در قالب الفاظ و اصطلاحات خاصی بر آن‌ها تمرکز می‌کند. در سطح تفسیر، تلاشی صورت می‌گیرد تا برای رهیافتی عینی‌تر به قرآن دیدگاه‌های شخصی فراموش شوند. به این ترتیب، استفاده از مهارت‌های متعدد «علوم» قرآنی و کاربرد روش‌های هرمنوتیکی به منظور دست

یافتن به این عینیت و بی طرفی است؛ اما هیچ مفسری نمی تواند اهمیت قرائت شخصی و فشار متن پیشین را از تفسیر کنار بگذارد. وجود آثار تفسیری بسیار زیاد بیانگر این است که در مورد قرآن، فرایند تفسیر در اشکال گوناگون وجود داشته است و احتمالاً بعد از این هم وجود خواهد داشت. لازم است ماهیت طبیعی تطابق پذیری تفسیر از فردی به فرد دیگر و از زمان و مکانی به زمان و مکان دیگر تا به آخر به همان قوت ادامه یابد. از یک سو به این سبب که امری طبیعی است و از سوی دیگر به این دلیل که تنها از طریق تفسیر مستمر است که حکمت قرآن به طور مؤثر عملی می شود. این عملی شدن مختص تجارب گوناگون تمدن بشری خواهد بود.

فصلنامه نقد کتاب

قرآن و زندگی

سال اول، شماره ۱  
بهار ۱۳۹۴

۱۵۹

نگارنده معتقد است که قرآن به همان آرامی که چهارده قرن پیش با جامعه مسلمانان نخستین مطابقت یافت، با فضای زن مدرن هم مطابقت می کند. اگر قرآن را با عنایت به زن و در نتیجه، نشان دادن جامعیت قرآن تفسیر کنیم، می توانیم این تطابق را اثبات کنیم. هر تفسیری که کاربرد خطوط راهنمای قرآن را تنها در تقلید موبه موی جامعه صدر اسلام عملی بداند، در حق متن (قرآن) بی انصافی کرده است. هیچ جامعه ای نیست که عین جامعه دیگر باشد. لذا هیچ جامعه ای رونوشت جامعه صدر اسلام نخواهد بود. قرآن هرگز این مسئله را به عنوان یک هدف بیان نمی کند، بلکه هدف برتری جستن در اصول کلیدی خاص تحولات بشری، یعنی عدالت، توازن، مسئولیت اخلاقی، آگاهی معنوی و پیشرفت است. هرکجا این ویژگی های عمومی وجود داشته باشد، چه در جامعه صدر اسلام، چه در حال حاضر و جوامع آینده، هدف غایی قرآن برای جامعه محقق شده است.

آمنه و دود، مهم ترین نکته ای که درباره رویکرد قرآن به موضوع زن مطرح کرده است، این است که نگرش هایی که در زمان و مکان نزول به زن وجود داشت، به شکل گیری این اوامر خاص در قرآن کمک کرد. آنچه را قرآن مخاطب قرار داد مخصوص آن شرایط بود. این امور خاص نماینده تمام منظور قرآن نیست، اما ابزاری برای تعیین این منظور است، مشروط بر آن که اطلاعات تاریخی صحیحی داشته باشیم؛ مثلاً خطاب های احترام آمیز به زنان در دوران مدینه با شیوه ای که در آن زمان رایج بود متناسب است. قرآن همین شیوه را برای ابزار احترام به کار می برد، نه به این معنا که این تنها شیوه ابزار احترام است. در نتیجه می توان این شیوه را برگزید، اما دلیلی وجود ندارد که سایر شیوه ها نفی شوند. به همین سبب، توجه خود را اندکی بر تحولات تاریخی برنامه قرآن درباره زنان (و در واقع به تحولات همه اصلاحات اجتماعی) معطوف کردم، چرا که چنین توجهی پیشرفت طبیعی قرآن را در غلبه بر نگرش های ریشه دار و کنش های حاصل از آن ها نشان می دهد. امیدوارم زمانی که جوامع جدید سعی دارند در چارچوب یک قالب اسلامی پیشرفت کنند، این توجه را به کار بندند. آن ها فقط به تدریج می توانند به هدفی که در جست و جوی آن اند، دست یابند و به جامعه مطلوب اسلامی نزدیک شوند.

همواره خاطر نشان شده است که قرآن از نظر ترتیب تاریخی، تغییرات بسیاری درباره منزلت زنان و عنایت به آن ها در جامعه به ارمغان آورده است. از عمرین خطاب نقل شده

که می‌گفت: «به خدا سوگند، ما در جاهلیت به زنان توجهی نداشتیم تا این‌که خدا درباره آن‌ها در قرآن آنچه را گفته شده فرمود و سهم آن‌ها را در امور به ایشان داد». بنا نبود تغییر مستمری که قرآن آغازگر آن بود، با اتمام نزول متوقف شود.

درباره برخی از تغییرات اجتماعی مهم که در زمان اتمام وحی به‌طور کامل صورت نگرفته بود (مثل براندازی کامل برده‌داری)، شواهد روشن کافی از آن هدایتی که منظور قرآن بود، وجود داشت. به این سبب، نمی‌توان باور کرد این تغییرات تنها قرن‌های متمادی پس از نزول جامه عملی شدند. به این ترتیب، اگر هر نسلی تفسیر قرآن را به‌طور مداوم به شیوه‌ای انجام دهد که نشانگر هدف کلی آن باشد، هدایت قرآنی را می‌توان به‌طور منطقی و عادلانه در هر عصری در زندگی انسان‌ها به کار برد. این روش قابلیت تطابق با واقعیت‌های امروز و فردا را دارد.

فصلنامه نقد کتاب

قرآن و کیش

سال اول، شماره ۱  
بهار ۱۳۹۴

۱۶۰

### ملاحظات

این کتاب به چند دلیل حائز اهمیت و مورد توجه است. نخست این‌که این اثر یکی از مهم‌ترین مباحث که مسئله برابری جنسیت است را با مبنای قرآنی بررسی می‌کند و از این رو برداشت‌های مردسالارانه از قرآن را با پرسش‌های جدی روبه‌رو می‌کند؛ دیگر این‌که از بین نوآندیشانی که در کتاب مطرح می‌کند، خود آمنه و دود است و این امر ادعای او را که تفسیر قرآن همواره در سیطره مردان بوده را تأیید می‌کند و این‌که زنان در طول تاریخ اسلام از حلقه‌های تفسیری و در نتیجه از علم تفسیر محروم بوده‌اند.

موضوعی که او همواره به آن می‌پردازد، مفهوم‌سازی قرآن از جنسیت و روابط جنسیتی است و تمرکز روشی او بر این مسئله است که بهترین روش خواندن متن، به‌ویژه برای کشف نگاه یک زن در آن چگونه است. یکی از خدمات‌های آمنه و دود به گفت‌مان دینی مسلمانان، نشان دادن روابط میان پرسش‌های نظری و روش‌شناختی، به‌ویژه رابطه میان تفسیر قرآن (آنچه ما از گفته‌های قرآن می‌فهمیم) و ابزارهای تولید آن (نحوه خواندن شخص از قرآن) است. او بر مسائلی همچون (آنچه قرآن می‌گوید، آن را چگونه می‌گوید، آنچه درباره قرآن گفته می‌شود و کسی که درباره قرآن می‌گوید و آنچه در حذف‌ها و سکوت قرآنی ناگفته مانده است) تمرکز می‌کند.

عنوان روش تفسیری آمنه و دود، «روش توحیدی» است، در بین تمام تقسیم‌بندی‌های روش تفسیر قرآن کریم روشی به نام «روش توحیدی» دیده نمی‌شود و تنها از طریق آمنه و دود است که نام این روش شنیده می‌شود. در این روش اعتقاد به روح کلی حاکم بر قرآن کریم یا جهان‌بینی کلی بر قرآن یک اصل اساسی است. یک مفسر اول باید این روح را استخراج کند و بعد آیات را در پرتو این جهان‌بینی تفسیر کند.

در کانون روش تفسیر و دود در این کتاب این ادعا وجود دارد که قرآن مفهوم برتری هستی‌شناختی مرد و پایین‌تر بودن زنان را تعلیم نمی‌دهد. او معتقد است که برخلاف ادعای بیشتر مسلمانان قرآن از تفاوت‌های اساسی میان زنان و مردان در خلقت، در ظرفیت



و نقش اجتماعی، در قابلیت هدایت (به ویژه هدایت قرآنی)، در پاداش‌های اخروی سخن نمی‌گوید. همچنین با توجه به سخت‌گیری‌ها نسبت به نقش‌های جنسیتی در جوامع اسلامی، قرآن نقش خاصی را برای جنسیتی خاص در نظر نمی‌گیرد و از آن حمایت نمی‌کند. نیز نقش‌های ویژه‌ای را به عهده یکی از جنسیت‌ها در هر فرهنگی نمی‌گذارد. به نظر او منحصر کردن چنین نقش‌هایی قرآن را از متنی (عام و جهانی) به متنی (ویژه یک فرهنگ) تنزل می‌دهد که البته بسیاری به غلط، چنین چیزی را ادعا کرده‌اند. در واقع به اعتقاد آمنة و دود قرآن خود (بر تفاوت جنسیت‌ها غلبه می‌کند) تا هدفش برای هدایت همگانی را تحقق بخشد.

در همین رابطه، آمنة و دود عمیقاً معتقد است که قرآن از مقوله جنسیتی، حتی برای تمایز گذاشتن میان انسان‌ها استفاده نمی‌کند، چه رسد به این‌که آن را برای تبعیض علیه زنان به کار گیرد. در واقع در قرآن، مقوله «زن» یا «انسان با تأکید بر جنسیت» وجود ندارد.

### ارزیابی کتاب

موضوعی که آمنة و دود به آن می‌پردازد، عنایت به برخی از جنبه‌های برابری جنسیتی در جهان بینی قرآنی است.

و دود معتقد است که با خواندن قرآن، به صورت قطعه قطعه و بدون توجه به بافت آیات، نه تنها انسجام درونی یا «نظم» آن مغفول می‌ماند، بلکه اصول بنیادی شکل دهنده تعالیم قرآن آشکار نخواهد شد. در نتیجه بیشتر مفسران احکام خاص قرآنی را تعمیم می‌دهند؛ که به اعتقاد و دود کاری ظالمانه علیه زنان است و برخی از زیان‌آورترین محدودیت‌ها علیه زنان نتیجه این است که «راه حل‌های قرآن برای مسائل خاص به گونه‌ای تفسیر شده‌اند که گویی اصولی کلی‌اند».

نویسنده کتاب قرآن و زن به این نتیجه می‌رسد که در جاهایی که قرآن به زن و مرد، اختصاصاً اشاره کرده است، نکته روشن است، اما در جاهایی که از جمع مذکر استفاده کرده و یا الفاظ عام به کار برده است، در اکثر موارد، هم زن مورد نظر است و هم مرد؛ و این طور نیست که چون جمع، جمع مذکر است، فقط به مرد پرداخته باشد. آمنة و دود تلاش می‌کند تا در پایان کتاب خود با نمونه‌های مختلفی که از آیات قرآن می‌آورد این را نشان بدهد که جمع مذکر خطاب به زن هم هست.

و دود خودش بر این مطلب تأکید می‌کند که من همیشه علاقه زیادی به بحث‌های واژه‌شناسی داشتم و به همین دلیل هم هست که این شیوه هرمنوتیکی را در پیش گرفته‌ام. در مورد رویکرد آمنة و دود گفتنی است، ایشان معتقدند تفسیرهایی که تاکنون در مورد قرآن نوشته شده است، به این دلیل که مفسران مرد بوده‌اند، تجربه‌های مردانه خود را ناخودآگاه روی قرآن منعکس کرده‌اند و اکنون زمان آن فرارسیده است تا زنان هم قرآن را تفسیر کنند؛ تا تجربه‌های زنانه آن‌ها هم در فهم آیه‌های قرآن مؤثر واقع شود و بعد تجربه مردانه که تفسیری مردانه نتیجه آن می‌شود با تجربه زنانه که تفسیر زنانه را ایجاد می‌کند،

هر دو با هم تفسیر کامل تری را از قرآن به ما بدهند.

درباره شیوه تفسیری و شیوه هرمنوتیکی آمنه ودود نیز گفتنی است، ایشان می‌گویند که خواننده متن خودش یک متن دارد که ما اسم این را می‌گذاریم متن پیشین. به تعبیر دیگر، وقتی که یک نفر به سراغ متنی قرآنی می‌رود تا آن را تفسیر کند، خودش دارای یک متن پیشین است و این متن پیشین یعنی آگاهی‌ها و اطلاعاتی که این مفسر و این شخص دارد و بعد در یک حرکت رفت و برگشتی بین متن پیشین خواننده و همین‌طور متن قرآن، معنا و مفهوم حقیقی قرآن به دست می‌آید.

آنچه توجه مخاطب اثر را جلب می‌کند، یکی دیدگاه هرمنوتیکی ایشان بود که با نام دیدگاه هرمنوتیکی توحیدی مطرح کرده بودند. نویسنده در این کتاب روی زن تاکید می‌کند. او از شیوه هرمنوتیکی برای فهم مفهوم زن در قرآن استفاده می‌کند. مباحث مربوط به زن هم در جوامع دیگر و هم در جوامع ما مباحث خیلی مهمی است. مخصوصاً در دنیای امروز که مباحث مربوط به زن هم خیلی مطرح است و بسیاری از اوقات گفته می‌شود که قرآن آن توجهی را که باید به زن داشته باشد، ندارد؛ و بیشتر توجهش به مردان است، نگاه آمنه ودود به آیات قرآن و تفسیری که از آن‌ها دارند، این دیدگاه را ضعیف می‌کند و نشان می‌دهد که قرآن برخلاف آنچه که دیگران فکر می‌کنند، توجه لازم را به زن دارد.

روش‌شناسی آمنه ودود دو بعد دارد؛ یک بعد بحث هرمنوتیکی است که به صورت کلی استفاده می‌کند و بعد دیگر روشی است که در تفسیر زنانه قرآن به کار می‌برد؛ یعنی اگر آمنه ودود را در کنار سایر روشنفکران غرب که به تفسیر قرآن پرداخته‌اند بگذاریم، این‌ها همه در یک هرمنوتیک مشخص قرار دارند، ولی ودود علاوه بر آن‌ها باید یک روش‌شناسی ویژه‌ای داشته باشد تا توجیه کند که باز خوانی متن مقدس از منظر یک زن به چه معناست. در بعد اول یعنی روش هرمنوتیکی عام چه به صورت زنانه چه به صورت مردانه، که بسیاری از روشنفکران عرب مطرح می‌کنند، روش ودود متعلق به فضل‌الرحمان ملک است. آمنه ودود در بحث روش‌شناسی چیزی جز روش فضل‌الرحمان را پیاده نکرده و کاملاً در اصطلاح، نقل قول‌ها، روش و حتی کلمات از فضل‌الرحمان تبعیت کرده است. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که فضل‌الرحمان با این روش، تفسیری از متن ارائه می‌کند، اما اگر یک فمینیست اسلامی بگوید من می‌خواهم تفسیر زنانه‌ای از متن ارائه کنم، باید بگوییم این روش کافی نیست؛ چرا که تفسیر زنانه یعنی این که قرائت و چشم‌انداز یک زن از متن با قرائت و چشم‌انداز یک مرد از متن متفاوت است. همچنین چشم‌انداز زن در تفسیر وقتی مطرح می‌شود که بگوییم چشم‌انداز مرد نیز در متن تأثیر دارد.

اگر چشم‌انداز مرد در فهم متن تأثیر نداشته باشد، پس لزومی ندارد که بگوییم زن نیز باید از خود تفسیری داشته باشد. روش فضل‌الرحمان نمی‌تواند تفسیر زنانه را توجیه کند؛ چرا که فضل‌الرحمان قائل به فهم عینی است. فهم عینی یعنی این که چشم‌انداز خواننده، پژوهشگر و مفسر در فهم، تأثیری ندارد، در صورتی که اگر بگوییم تفسیر ما تفسیری

زنانه است، این چشم‌انداز در فهم مفسر تأثیر خواهد داشت. حال سؤالی را که گادامرا از فضل‌الرحمان در مورد فهم عینی می‌کند، آمنه ودود با پاسخی متفاوت جواب می‌دهد و می‌گوید، فهم عینی امکان ندارد و فهم یک زن با فهم یک مرد قطعاً متفاوت است. اینجا راه فضل‌الرحمان از آمنه ودود جدا می‌شود. فایده این جدایی آن است که اگر تفسیر من از قرآن به‌عنوان تفسیر یک زن از قرآن شد، تفسیر مردان نیز تفسیر خاص و مشخصی می‌شود. در نتیجه هر کس تفسیر خود را ارائه می‌کند. اینجا اشکالات مختلفی از جمله اشکال نسبیت‌گرایی و سایر اشکالات دیگر مطرح می‌شود که آمنه ودود فقط به اشکال نسبیت‌گرایی می‌پردازد.

اگر از آمنه ودود سؤال کنیم که آیا عدم فهم عینی منجر به نسبیت‌گرایی در فهم متن می‌شود؟ پاسخ می‌دهد که این اشکال وارد نیست؛ چرا که گرچه قرائت مختلف است، اما نقاط مشترک زیادی دارد و همین امر باعث می‌شود که یک مرکز ثابت داشته باشیم. قرائتی که من مطرح می‌کنم با فرد دیگر در این مشترک است که خدا واحد است و به دنبال برقراری عدل است.

به‌عنوان یک هرم‌نوتیست زن اگر ودود بخواهد به تفسیر قرآن دست بزند، نیاز به چند روش دیگر در تفسیر متن دارد. ودود خودش را یک مفسر زن می‌داند و معتقد است که باید یک تفسیر با صدای یک زن وجود داشته باشد؛ نه صرفاً مفسری که زن است و جنسیت‌اش در تفسیرش تأثیر نمی‌گذارد، بلکه مفسری که جنسیت‌اش در تفسیر اثرگذار است.

ودود چند خرده‌روش دیگر هم دارد؛ به‌عنوان مثال قرآن به زنان پیامبر می‌گوید: «ولا تبرجن تبرج جاهلیه». ممکن است یک مفسر بگوید یک رفتار زنانه مورد نهی قرآن قرار گرفته است، اما ودود می‌گوید: من اینجا به‌عنوان یک مفسر زن روش دیگری به کار می‌برم. در این‌گونه موارد گرچه از یک رفتار که آن رفتار نیز زنانه است، نهی شده و به زنان گفته شده است که این‌گونه عمل نکنید، اما به این معنی نیست که این رفتار یک رفتار زنانه منفی است. ودود می‌گوید؛ فرض کنید که یک نفر در کلاس شما به‌عنوان معلم دروغ بگوید. شما به او می‌گویید دروغ نگو. این به این معنا نیست که دروغ‌گویی یکی از رفتارهای منحصر به فرد آن شاگرد است که بعد، بقیه او را به این صفت بخوانند و بگویند ذات او دروغ‌گویی است. چون در کلاس و در آن زمان دروغ گفتن یکی از شاگردان صدق پیدا کرده است، شما به او گفته‌اید دروغ نگوید، اما آنچه ما می‌آموزیم آن است که دروغ‌گویی بد است. اگر فردا بقیه شاگردان هم دروغ بگویند کار آنان هم بد است. پس وقتی قرآن می‌گوید «لاتبرجن تبرج جاهلیه» آنچه ما می‌فهمیم این است که تبرج مشکل دارد؛ حال چه تبرج رازن انجام دهد چه مرد. ودود با پیاده کردن این روش هر جا قرآن رفتاری را حتی از زنان نهی کرده باشد، آن رفتار را از جنسیت خارج کرده و عام می‌کند.

روش عام ودود عیناً روش فضل‌الرحمان است و روش خاص وی نیز مشابه نظریات چشم‌اندازگرایانه معرفت‌شناسی فمینیستی است.

کتاب قرآن و زن آمنه ودود مربوط به ۲۶ سال پیش است و شاید به همین دلیل بحث‌ها

از قوت لازم برخوردار نیستند و احتمالاً می‌توان گفت ودود جزو اولین کسانی است که این بحث‌ها را مطرح کرده است، اما ما ۲۶ سال پیش **تفسیر المیزان** (علامه طباطبایی)، کتاب **زن در آینه جلال و جمال الهی** (آیت‌الله جوادی آملی) و **نظام حقوق زن در اسلام** شهید مطهری و در فضای عرب کتاب‌های قاسم امین را داشتیم که بحث‌هایی حقوقی در زمینه زنان داشتند و ردپای این دیدگاه‌ها در کتاب ودود دیده نمی‌شود و ایشان گاه تفسیرهایی می‌کند که به نظر می‌آید زیاد ذوق‌زنده است و این‌که بعضی جاها اشکالاتی را مطرح می‌کند که فقط بر تفاسیر خاصی وارد است. مثلاً در قرآن می‌بینیم در آیه «درجه» و «قومیت» مردان به زنان تفضیل داده شده‌اند. می‌دانیم که قدر متقن این است که طلاق در دست مرد است، می‌دانیم که در قومیت حداقل آن این است که نفقه به‌عهده مرد است. ما این موارد را می‌دانیم، اما خانم ودود با استناد به اصل تقوا این دو آیه را تفسیر می‌کند و می‌گوید اصل در روابط انسانی تقواست و این عام است. بنابراین این درجه‌بندی‌ها همه موقعیت‌مند هستند و مربوط به زمان خاصی بودند. ایشان این اصل را در خیلی از بحث‌ها مطرح می‌کند؛ اصل تقواست آن زمان در روابط زناشویی متناظر تقوا این بوده است، الان متناظر تقوا چیز دیگری است.

ایشان در مورد آیه «درجه» در صفحه ۱۲۹ کتاب می‌گوید: «با این وجود تصور می‌شود که آیه «درجه» آن چیزی را بیان می‌کند که مردان باور داشته‌اند و می‌خواستند که دیگران نیز باور کنند. این باور که جامعه‌ای به‌صورت سلسله‌مراتبی اداره می‌شود و مردان در رأس آن هستند».

یعنی این آیه حکم شرعی نیست، چون جامعه این‌گونه بوده است، آیه این‌گونه نازل شده و اگر در موقعیت دیگری بود، آیه به‌گونه‌ای دیگر نازل می‌شد. بنابراین ملاک در قرآن تقواست، اما آنچه باعث رتبه‌بندی در زمان پیامبر شده است جنسیت بوده و این جنسیت مختص آن زمان است، نه زمان‌های دیگر. در این رویکرد، قرآن یک روح مجرد است در یک بستر مادی؛ بنابراین اصلی فمینیستی به‌دست می‌آید و آن این است که تاریخ بشری انسان مذکر است. درست است که قرآن اصل را بر تقوا می‌گذارد و فقط باید تقوا ملاک برتری باشد، اما فقط بین مردها این اصل وجود دارد و باعث تفضل و برتری می‌شود.

در صورتی‌که دقت در آیات نشان می‌دهد که بحث از تقوا در قرآن، بحثی اخلاقی است و نه حقوقی.

آنچه‌که در رویکرد آمنه ودود و فضل‌الرحمان نادیده گرفته شده است، مباحث فقهی است. آمنه ودود می‌گوید که قبول داریم که در زمان پیامبر (ص) تعدد زوجات وجود داشته است و آیه قرآن می‌فرماید شما که می‌خواهید به دختران یتیم رسیدگی کنید، آن‌ها را به‌همسری بگیرید تا بهتر به آنان رسیدگی کنید، اما تعدد زوجات با قرینه یتیمان مقید بوده است و مطلق نیست و در شرایط خاص می‌گنجد. پس خارج از بحث یتیمان هیچ مردی حق ازدواج مجدد ندارد، اما در علم فقه، فقیه می‌گوید سازوکار تشریح به‌این راحتی نیست.

در بحث «قومیت» ودود معتقد است در آیه قومیت دو شرط تفضیل و انفاق وجود

دارد. ما می دانیم که هر جا شرط نباشد، مشروط نیست. اگر گفتیم «به شما جایزه می دهیم، اگر نمره ۲۰ شد»؛ یعنی اگر ۲۰ نشدی به شما جایزه نمی دهیم. و دود این گونه نتیجه می گیرد که اگر در جامعه ای درآمد خانواده به عهده مرد نباشد، قوام نیست. اشکال اول این است که حکمت و مناظر در حقوق مطرح است نه علت؛ و در آیه «باء» به معنی شروط نیست، «باء» به معنی «به جهت» و «به دلیل» است، نه به معنای به شرط.

در مورد شهادت زنان، و دود معتقد است که شهادت زنان به این دلیل است که اگر زنی به ضلالت افتاد، دیگری را تذکر دهد. از این روی اگر در جامعه ای حافظه زنان مانند مردان باشد، دیگر نمی توان گفت شهادت زنان، نیم شهادت مردان است. در حقیقت و دود «تضل» را به معنای نبود حافظه گرفته است؛ در حالی که «تضل» به معنای اشتباه کردن است و بیشتر توجیه روانشناسی دارد تا توجیه کمبود حافظه.

و دود در واقع به دنبال تفسیر زنانه از قرآن است، اما تفاسیر او هیچ فرقی با تفاسیر فضل الرحمان ندارند. پس این چشم انداز زنانه و دود کجا دیده می شود؟ این اشکال فقط به خانم و دود وارد نیست، به همه چشم اندازگراها وارد است که در این مورد مبهم صحبت می کنند.

### منابع و مأخذ

۱. زمخشری، ابوالقاسم محمد، *الكشاف عن حقایق التنزیل و عیون الاقابیل فی وجود التأویل*، بیروت: دارالتنویر العربی، ۱۹۸۴، ج ۴، ص ۱۶۲.
۲. و دود، *آمنه قرآن و زن (بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن)*، ترجمه اعظم پویا زاده، معصومه آگاهی، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۹۳.
- Abdollahi al-Naim, *Twards an Islamic Reformation* (New York: Syracuse University Press. 1990) especially pp. 68-34.

### پی نوشت ها

۱. *آمنه و دود، قرآن و زن (بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن)*، ترجمه اعظم پویا زاده، معصومه آگاهی، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۹۳، ص ۱۸.
۲. نک: همو، ص ۵۷-۵۸.
۳. شوری: ۱۱.
۴. طه: ۱۲۳.
۵. استفاده از شخصیت های زن، مرکز توجه این بخش است.
۶. *آمنه و دود*، ص ۸۰.
۷. برای جزئیات بیشتر، نک.

Abdollahi al-Naim, *Twards an Islamic Reformation* (New York: Syracuse University Press. 1990) especially pp. 68-34

۸. نگارنده بعضی از نمونه‌های آن را در فصل ۴ و در بخش نتیجه‌گیری آورده است.
۹. زمخشری، ابوالقاسم محمد، **الكشاف عن حقایق التنزیل و عیون الاقاویل فی وجود التأویل**، بیروت: دارالتنویر العربی، ۱۹۸۴، ج ۴، ص ۱۶۲.
۱۰. انعام: ۹۴. ●

فصلنامه نقد کتاب

قرآن و پژوهش

سال اول، شماره ۱  
بهار ۱۳۹۴

۱۶۶